







چن منسان برای کرد نماد یک با در است با دارسان شاه بال بهاشتا از مه جدا افخت د نما در مت افغی اینان بها در با این بهای بال بهاشتا از مهم جدا افغی به در در افغی اینان بها در باد با افغی به در با افغی به در با با در با با با در با با در با در

را من و در المساول المساول المساول و المساول و المساول و المساول المس

در تقام حنگ دارها باست. دهی مرده شهرت رفسه و بدند او کرده حال و تسب ایمان تیما ا با اخرار فقه او هما واعلی شهر ساد ترده المی شهرا دارها صرد که دارگر ترسیاری از پیامه او تیم رسید آخرار و تصریح این اماحت از زدای در در کرانیت ایملی شهراد را کدامت و شخت بیارخود را از ان تصریح این اماحت از زدای در در کرانیت ایملی شهراد را کدامت بینسیا امراکش و فقید دی بفتاک تام خود ا مهد، رسایند و حقیق حال پیوسف بی حلی رساید و ارتشاب در امریکه این دو ها خد حفیر بر فود در در زدی افزاید و جهان بشکری آمره خدو صلا و ارتشاب در فاحد که این دو ها خد حفیر بر فود در در زدی افزاید و جهان بشکری آمره خدو صلا و در در در ایمک این دو ها خد حفیر بر فود در در زدی افزاید و بهدی به خدای و ارتباری کرد در کر که برکر نام و در در ایمک برکر نام در ایمک برک در ایمک شوریا ما موسس خود او ایر و بایک در این معا و از کشت شهران اندانه تا به و فضا و علی و ظهر از برکس فردیا ما موسس خود او ایرو با یک در این معا و از کشت شهران فوای برسید دیگر ایمک شوریا ما در حد ایمک شود از در داکم در در این برکس بازی ایمانی و برسید دیگر ایمک شوریا در حک شود او در ایمک در این دارد و دست از شک بازی ایمانی و بسید دیگر ایمک قبل در ایمان و ایمک و در این به برای در این ایمک و در این ایمانی و میمک میمک برای میمک و در این ایمک و در این ایمک برده این برد و میمک برای میمک و در این ایمک و در این ایمک برده این میمک و در این ایمک و در این ایمک برده این برده ساوی و در میمک و داد و در این ایمک برده ایمک و در این شور داد و در این ایمک برده این برده میمک برده و در این ایمک و در این شود و در این ایمک برده این شهر داری میمک برده و در این ایمک برده و

عن بي وسيدلكري نيا رمون او وستا دراني جي باسب بك آن قاعت داخدات فيرا المداشة فيرا المداشة والمناسبة بالموات والموات والموات المداشة فيرا المداشة بالموات والموات والمدارة المدارة والمدارة والموات والمدارة والمدا

The state of the s

ما درگار در است و الدور و الدورا و قف در سوان این بنداد با با دارن و استون کارتباشد اور الدورا و الدورا و قف در سوان این بنداد با با دارن و استون کارتباشد و با دارد و الدورا و توفید البور و کن در سوان این بنداد با با دارد و ارتباه بر و تاریخ کارتباشد و با در دارد و این با در دارد و در دارد و استون و دارد و استون و دارد و در دارد و دارد و دارد و در دارد و دارد و

ایرجاج می بی جب دانسه او افر سستند و قابی سال باضد و کم از معت صرت میرانشده و معادت می انا می معادی و مین و من با دارا برا معند و قابی سال باضد و کم از معت صرت میرانشده و ادام با میداد و ساوه از مین برای مواق بوب خطب نام سطان کورو نواده از مین می میراند و می مین برای مواق بوب خطب نام سطان کورو نواده از می میراند و میران میراند و در انتها و میران با میداد تو برای میراند و میران میداد میران با میداد تو برای میراند و در ایران با میداد ایران میراند و میران میراند و میران میراند و در برای میراند و میران میراند و در برای میراند و میران میراند و میراند میراند و میراند و

ي است دورد الم المساور و المناف المن تجوه و الله و مرقان المنافي منفو تحسد بها را و دوراند المنه ي كان والهو دوج علب الحاوج و كل و فراخل و المسترث و المنه الموسيد و في المسترث و المنه الموسيد و في المسترث و المنه الموسيد و في المرسيد و في المراف و المراف و

بادران علت مود باله بمثر جوش بجون الكراما رابع ساملان الموضوات الدف و قوا الماك المرا الموس على مود باله بمثر و باله البياط على مساول و تم الدولاري بن آق شقر و الواليها على مساول و تم الدولاري بن آبات الموران و الموالية بن الموران و ال

ازجان کاس مورک زور ماهان علی و در است او دانماس نیاوتی جالبر دوه او در است و دانون الم از در است موده او در است او در انتها الم الموده او در است موده او در است در است موده از در است از در است موده از الموده از در است موده از در است موده از در ایجا از در است موده از در ایجا از در ایجا از در است موده از در ایجا از در است موده از در ایجا در از در ایجا در از در در ایجا در ایجا در از در

وب فك مندورست و دران وجائد برست كه ساد و برس و بسدة و بست المان و برستي القال كرداد به با المان المان

باود مقام صعيم شده كم نزد او فرک او نده انگ جاست كه مصالحه نا بدگردی خامرشده
باود مقام صعيم شده كم نزد او فرک او نده انگ جاست كه مصالحه نا بدگردی خامرشده
كه مک مندون ارنسان رخت و او فره امن از او خرک جاست كه مصالحه نا بدگردی خامرشده
که مک مندون ارنسان رخت و او فره امن از حصوصت و فركه قب امرز آور ما مرحا امن و اقد و توقیم مصالحه با منافع به با محمد و امن او او خوام و امن او او برای با بار برست آور و مداراً با برای مندوزی انگ می مواند و مرد امن او این او امن او او برای برست آور و مداراً بر مقان مندوزی از می مواند و دار و اما و این او ارساب به بار برست آور و مداراً بر مقان مندوزی از مواند و دار و این و امن او دارا با دارساب به بار برست آور و مداراً بر مقان مندوزی از مواند و برای که روساند و دارای او مواند و این او می او مداراً بر مقان مندوزی انگ می مواند و دارا برای این او مواند و این او این او این او این او این او این او مواند و این او مواند و این او این او این و این او این و این او این و این او این او این و این او این و این او این و این و این او این و این او این و این او این و این او این و این

سيده شده الديمة الماده الماده وشراكات الفصد خواه وبعث الايجاني رسيدكه المالية المحالية المعالية المعالية المعالية المحالية المعالية المحالية المحا

معنان وارا من العالما و معنان ما مراس المواد و من معنان مستان وارا ما الدور مراس المواد و و المساوال و المواد و المواد و المواد و و المواد و الموا

من الدوري المراسية الموادية والموادية الموادية الموادية

بعن رئيسية كي اور كما دور وي سال كود بروت آدين راوش و ويت المال المالية الموري المنافرة المن وي المنافرة المنا

المراك ا

المريس الدونها و محتاره المواقع الموسية و المريسة الموسية الموسية والمستدون و الموسية الموسية

نول کورو خارت می آوارای او داد کرد استان که در در این این به این که میشان کار به در تیک این کار در خوات می از این او داد که که این خوات و در این کار این این که در خوات این که در این که

الله المواقعات المواقعات الدرائك و المواقع المراقع المواقع ال

الميفان كرده من طاجق رسانيد و بيروي بين اين حال شده و توسيع ايرا الا مورا يوسيد ايد الميفان ا

o'

را سدون المعدد والكور والمعدد والمور والمورة المورون عن المورون المور

ولا المعربي المعربية المعربية المواقع المعربية المعربية المعربية المواقع المعربية ا

الدوات المورد ا

این داده که راود کر مصوری صدق را حالت اوری ارساده می تا به کود ادا و این این از این احد از این احد از این احد ا داری مراق است به داد به می دادی سود این می نود به دادی در این در می داد از آن افزار می از این احد از این افزار می از این احد از این افزار می می در از افزار می از این افزار می از افزار از این افزار از این افزار این او افزار او افزار این او افزار او افزار او افزار او افزار او افزار او افزار این او افزار ا در بی اما ای است رسال در در این ند موه وجب او دراین کردها جمعی فلید اس می است کرده ای است کرده و است و

بارداران

قد نده دواای بحب میکس به نده به اصطفاعه دارات او در با این آورد این از با این از با این از با این از این از استان در در منتی ساز بین آورد نیز با استان در در منتی ساز بین آورد نیز با این از استان در در منتی ساز بین آورد نیز با این از استان در در با در در در با این در با این در منتی این در منتی در منتی در منتی در منتی این در منتی در

نوالد میری است و این است و این ما الدورا دان زان صح و و این جدا و روسی از احاد به است و در در است مدات سالطین و توای مدات سوی جان کرد کاکرالا ای جلس از عالم در این کرد و بر به در الدون و حداث دان المان و این مدات و با این مداور این است و با این مداور این مان مداور بر این است و با این مداور این است و با این مداور بر این مان مداور بر این است و با این مداور بر این است و بر این مداور بر این مداو

ا الدون المالي والمراد و و سال المراج و المراج

در الله المساول الموساعة في المحافظة المساولة ا

در با کرف از بگس شل به بورت ایمی از ترسیان فرد آنده باست بر صافه می نسده در از انتخابی فرد کرفت از بست بر مسافه می نسده در از انتخابی فرد کرفت از بست بر مسافه می نسبت بر مسافه می نسبت بر مسافه به برای از ترک از با ترک به برای با برای بخواب به برای برای به برای به برای برای به برای برای به برای برای به برای به برای به برای به برای ب

من فرزنها دروس بالمورد المن وسع به منطق بالدار الما الما توالم المورد ا

و الله الماده الحدث المواجعة على المديد المن المساه المواجعة المراحة المراحة المواجعة المساهدة المواجعة المواج

U. . .

ان با بدورود و در است و در است و مقده الا بالمواقات الما الما المواقات الما الما المواقعة الما الما المواقعة الما المواقعة الموا

دفات كردون الم

درنال

اعبان شورسس بن مع مجاه عد مو به صفائ که مشور تعدادی دود تصدیله به تا با دوراسته المواد المان معلان المواد المواد

در برسکن الما علام کلی المروسی المروسی من واب وجهی کرد وکرد نام دی او کرد و تصرف است المروسی المروسی

الما قا عود آن برا من المستقد و بدارا تن الما الما الله عدد الما المستقدان المستقدان

موه و داند و دور و دامه من المراح المن مقال دامه من المفريقة بالمدود المدود المدارة المدود ا

100

ام طالب عن ای دوست وست باخید می برسد کونت این دهد را دفوای می است است این دهد و دو این می است است این دوست و است این از در این است این از در او طالب می ای این از در می این از در این از در می این از در می این از در می این از در می این از در می از در می از در می این از می این از در م

ر بخدرا المستود المست

والما ها الما المساورة الما الموادة ا

اد فراست کا محروار شد و درست می بیاه و نامی داشتان و فعال و دست که در این کویسی به او فراست کا محروار شده او فراست کا محروار است و فراست کا محروار است و فراست کا محروار است کا محروار و فراست و فراست کا محروار است کا محروار و فراست کا محروار و فراست و فراست کا محدوار و

و با المراق الم

The

نزدملطا سنجر

من من الما و الماس الموالي من ويرساطان وكرماند راده الحام الملك و من وجواسان في تستخد الماس الماس الماس الماس الماس الماس الماس ويرساطان وكرماند راده الحام الملك و من وجواسان في المدور المواس الملك المواد والمستخدم الملك المدول المربطان المواد والمستخدم الملك المدول المواد والمستخدم المواد والمواد المواد والمواد المواد والمواد المواد ال

كدونا مي تعديز خوت دار مساوريت والمناطقة بين المنظمة المنظمة

مع و من المراف و المراف المرا

والمر إلى المنافق من من والمري المرتب المن التي في ما المستبد و المرحد وقالها من المكان المل المنافق المن المنافق المن

روس دوه آجستره وشام دوه ارکراصه با ران شدوکرانی فیطی شد. و در این حالی داخی الدیک استفاده است در صاحب الدیک شده در استان از این الدیک استان در شده الدیک استان از در در این الدیک این از در این الدیک از در استان الدیک از در استان الدیک از در استان الدیک الدیک

مهان بوی به با به بعدارش میش و مستال که دولد المرت ماکن بود کی دو ماک او شده اخورد دو دو گرافت المرسود است که در برت می دوستال که دولد المرت ماکن بود کی دو ماک او شده اخورد دو گرافت که برد ما المورد در المورد ال

المنافئ كرية

روات الدينان المنتاس المناه و روات المنتاس ال

سال بالصدون الدوست كالوجعة رافريان قد در سدوکها بزرگ احد در ایم حکومت خود سارتوانسي در کلیان سنج مود و حاس استان در و حدا الدیک بست می داد و این المحاس و در ور و حاس المحاس و در ور و حاس المحاس و در ور ور حاس المحاس و در المحدود و حاس المحاس و در ور المحدود و حاس المحاس و در ور المحسود و محاس و المحاس و در و در و در و در و خاس المحاس و در المحدود و حاس و در المحسود و المحاس و در و المحاس و در و در و المحاس و در المحسود و المحاس و در و المحسود و المحاس و در المحسود و المح

ادر ما الما المورون في المستور به تواسل المورون المن المعلق المستورية المست

كرادرا عبد المراق عبد المان عبش احال ميرسدان و سدادو سطاني حون اردي جزي المدود في المدود ورش المداول المداحد والإعراف والمحتلية والمراق المداحد والإعراف والمحتلفة والإعراف المدود والإعراف والمحتلفة والمراق المداول المداحد والإعراف والمحتلفة والم

د شاد بالما و المدارة الما المرافع و المراس والمت بالمراس والماك النام فردك بك وضى المرود و المراس والمت بالمراس والماك النام فردك بك وضى المرود و المراس في المراس ف

دو الأرك در دان كوشه و در المعنى المورد على مرد المورد ال

من بعداد معرام بوگروسی و بروست به درد معواند با میست به این معراد با میست به این قام دارد به میست به این برود معواند با میست به این به می این بروست به این به میست به میست به میست به به میست به میست

منطقان ملطان گرد عنده و دورت گردوه می وست مرد و تیک بود یک اوری انداده از و این از از استاده از و این از این از استاده از این ا

به بادس المساعل مي دون الدون الدون الدون الوشه والتي المستوال المن المستوان المستوان المن المدون المستوان المدون المستوان المدون المستوان المدون المستوان المدون المستوان المدون المستوان المدون المدون المدون المستوان المدون ال

سود به المواد الاستون في المس معتد المدين الدورات الدورات المارات المواد الموا

الاستداده المان حاف فرمان و بين مرعاد الدين في مجالي موس يرسب بناه لي الحريد الله المستداده المستدادة الم

المسايد المانية

را است خود استرفها من داکسات وجود ارزوسطان با زار موراها سب را را استرفتی از است خود استرفتی از استرفتی این استرفت استرف

الما المجال المساورة المستوي الموال المستوية الموالية المستوي المستوية الموالية الم

ميروس وكل إدارة الميكن في الكري معنى الدوم من والموسى الما الكري الموادة المو

الله المساورة المساو

ا و استاد میسد و با در استاد است میل دوران با در ساختان است استان استان و در میسندی استان استان با در ساختان استان استان استان و در استان استان استان استان استان و در استان استان و در استان استان و در استان و در استان و در استان استان و در استان استان و در استان

در بن قبل بالمراحة واحت برخل این به دار ما فارد برگر برام ایران ا

12.50



به با دا و تعدد برسی شده و تی کرنجه ای را بسیند شوع و در بر دا با به می دوند به بر بر خود در ای این از با این از از با این از با این از از با این از از با این از از با این از از با این از با این از از با این از از با این از با این از از با این از

من المارك المدارك المساول المستوي المستوي المراق المارك المارك المستوي المراق المستوي المستوي

المريد و فرون المريد المري المريد المري

ا ان داده انده بی معداده ایرده این با تناس بی در ایرم ترک کرد برسان بی در سرده آخری بی ان مردون اندوی بی از در اندوش بی با در اندوش انده بی با در اندوش اندا بی از در اندوش اندا بی از در انده بی با در اندا با در

د مقام ها در منا مخار مدان و الداد الدسون ما مند به باشده الا الا من مراح المراسان المناسطة المراسان المستون في المراسان المستون المراسان المستون و المناسطة المراسان المستون المراسان المراسان

ورداد کار مطال مداد کا بیست رسان اصافات مدود گافته ما داخت العالی می و در دارد کار مطال مدود بر می این از استان مداد از آن المان می این از استان مداد از آن المان می این از استان مداد از آن المان می این از استان مدود کار استر اورد بر بر می با استان می این از استان می با استان می باشد و با استان می باشد و باشد و با استان می باشد و با استان می باشد و باشد و با استان می باشد و با استان می باشد و باشد و با استان می باشد و باشد و باشد و باشد می باشد و باشد

شده ادها در خود الدور المساور المساور المواد الما المواد المواد

المناه ا

الحي الذي كالمنت من في كود الماج المندود الدين الموادية الموادية

براسط مين بكي كام به الدين سبت باميداد دادين الديدة الدين الأعلى رسائيد كه على الدين الأما المعاد عن المعاد الدين الدين الدين المعاد المدين المعاد ا

ه این المان بر المان به معلی مود مولی المان خود واجه ما فی بدرا و فی منان معداد و نت موسط الدول المودود و ارا الحاد معلی محسومه و و وجادی کوت مهداد این شریع آست با دیگران معداد المودود و ارا الحاد معلی محسومه و و وجادی کوت مهداد این شریع آست با در ارا المان مود و ارا المود و ارا المود و ارا المود و ارا المود و المودود و المودود المودود و المودود المودود و المودود المودود و المودود المودود و المودود المودود و المودود و المودود و المودود و المودود و المودود و المودود المودود و المودود المودود و المودود و المودود و المودود و المودود و المودود المودود و المودود و

الله المورد المؤلف المطال فرده رسال من الله يقتى المادة المفريد وارج و المحاسطة المطالعة المورد الم

على الداده المرادي المرادي المستان الما مندوس شدة وطنف الموادي الميالي على مو الكراد المستان الموادي الميالية الموادي الميالية الموادي الميالية الموادية ال

أكت كثربايا فالبتل بييذ

ن الداله بين الا الدين المواسب كرسان في سأت قدم و بدود و سروي فا بدا لم حرات با بدو المواسب كراس في بدوا الدين المواسب كراسان با الدين الدين و المواسب كراسان با الدين الدين

برسان الملك من تبكيد بسان و من بالمهان بني ما ين بالدون و المان بالمان بالمان بالمان بالمان بالمان بالمان بالم وعلى بركان فريض الملك المستعمل والحال آن شاف والمستعمل المان بالمستود والمورد المان المان بالمستعمل المان المان المان والمت وي المستود المورد المعدا المعدد المعدد المستردد و بمثن والمستودي المحلوب والمعدد المعدد ا

حدث غيرالشرصوات الدهاب والكرد والمعارض التي المالي المتحدات المالي والمدودة في المدودة في المدودة

و المساحلات من مك العديد على الدارسة المديدة المديدة

خنب ستاد شرامستي وينمس الملوك جرواب جنبنده استكدام يزادا اربرا الحل أوت والمناف المعالم بي أو من المستاح المنافر والمراجع الما المائل من المعالم المائل من المعالم المائل المائل المائل والمالكان ورحنا والالكان وولت والمن فعلناه والميالان والمالكان وال الأراب والمان والمان والمان والمان والمان والمان المان المان والمان والمان المان المان المان المان المان المان عاج للسر والشبط الدوشون ويكس كريا تقاده والاخت بأورو لالان فراست وقلد والمبيكم فخوا للأك كروهيدان بقي للاأن يسور فليستنبره والمتاريخ فعد إنزازوست في فقد شرح فعدة كالطبيقة في وأمروه الانتفى قرا الخرجيني فالهوش وكالشريدا فارت نده فلورا عالم فسواخها مرجه بمساطع مبلي طرفتاتهم باللوك فراستنا دوازي الأس فودأ المعضاد وكذات مادكات والأراث ودافيال داوك عي كراد زكان والجزيدول القلق فعد بطرامس وآمندوت مب وفارت وان اوت والكروند ويتكاف ي جن بي آديان و جن في طالبس بينوال مطلح ندوي المشكرة و متعداد فيرود ارتشواراً ا بالمتعانية والمنان فدولا الماليان المالي والمدر مناهدا والمرافية والمالي والمتعانية والم مفرقط ن الميانة ابني اليث ن الم آمدندوخ و احت وأواج اسباب الثيان او و مُدكراً كما والتسريك اشتر والفسري والكابي فالعرب تعندي كنريالي منول شدة كال البازور فبالأن مل شرفه المساء والمانيلة وأواق والمرواث وي الوالي الماسي كرسيدة والدين وكي الماكم خروضيا البري والمروض المداد والموسى كذا تشتخوا جي لمهرمان واستدونليغة يتربه خان وخاريرس بنزل كيدونو وشباق سوكرينده بريارا يحادد البراغان واسال فارعلوا أبود وفليك أواستها كما البراغ الماريخ كاعتر بالمادي فالميضروب بهراما مدين فالميشر فالمعروان تست ومع فاطليقد والمساكرة ويصاح والترام بسار فيودكا بالخاريدكري وويون بساستاروا شاروا كسندونية وسابيا ت المراه المركز الماق موندكر السام والمداية والمراز الكراسان بال الالا المرادة فسياليس بالادامة بالطوع بالشفريدك زمكان النطاب الكشروا كشدر ويضينها فيرا شيدا الكرفن والم الوين شد اهذا مهدا تسافط وور شدوا كالصرودات ويوكا لخزاه كالمستنبطة والتهت فوه ووبعض أوابيخ منطيبات كربس واعت علا عدارة الألكا كوار بناه الدين أوا زواندافت كملك محد مؤجه الموادات البواير كم من الموجه ويدولوك وكثني موارسندار مرصل مترجه مغيداد شدون ويرعب ويرتبه اوتر المدود ماه شوال أميال ممال عمل شريطه النفاب وعال ميتاه الدي كالحف صفواعي ومسنات كاشكوث كم ا منا دالدين ألك بيكروملد آن شهرها ان مت أج الفرك البشرود العال حريش الملوك عُدانا من ماكن يشق وللدواه بعنان فيرار ماكنف كالروالي وس مكار

اكثراوقا تبطلها ككانسب تعقرار ما امكالية

والبريان وأفر بمنصورا غارة الصويحات وواسام مواجبت كرووز غوطه ويع الحواشال مِي إنفادان الك فلنكير فيصدق عُم الله ك الماق كد فود الدي رما بده حيد فليريدي المناحث الناتا غشارانها وكاركزناس فصابي وانطاف وجوانسين آرعوساعت آريها والكرار والمرابع الملك والقار المقر في والمان والمراكز الما عن صروا المركز ا مشكرجان فافؤاسن والفسكنانين بروامؤكرم والدنوة وفلام كجوابي يطلبضان بعناية بنم اللوك كمت كرون ميكو فدونين استكاماتي اثبان وبراين والشد والاميان ين خداريك عنن ومنز برغه وينكها ث مندك في كاكثر والطه غو ومندست ومريعة ط ال فلا فل كرا أربيه كلا في مستعدات مري مركز المناسكي را في العال كار المواجع الرسكا مريطالا والمستدنس أسند القصة شمه الملوك وزود أاثبان را ماراه تلكني الباكرند أالما ار برام و براد کرایت را احث بون دارا انبو کی داد ترمن العابیک مونج نام برد. در ترش العابی غم اللوك بسيار شنز شده وداين مل داي كرا وفينه فوت شدور يرش فاسم عدادة بين جدية ملك ست آن بليره قرار كرفت ودراه شعبان البيال ازاعيان سادات بدعوزين سنراز على الشريف العلوي العسين ويشاء بينجا وها ت كرد دب التقب النقبا عاد بت خرا عال الأ والانافأت دابردي بعني سده ززالذي بفركن ذقوال كأردر عرضن مرجنداد والخلف وأأته

ركشة بوزكان محمر ونسود كال جوز سوق ف وبديفات تقربت ماويده ويوري خادته بياري وآمادان مكرخل مسينة وصاحب المانس فاعمري مدودكو تشتون العكد البوي كذازشا سيقاع آس وبالبعدما فبدوتك في ادراها قسية ووال فأسد اسماه وكروندون متناصه بدين أكشيرتنع ظابس تفامكها ليشابات مارتبال تنافعونك الإدبر وف ووق مياه او تخلف الكالي وكمت وكلفات الكالين وكالني التي ليريك الكرفرات ومستركاف والطابعي الكرمية والكافان متوجك ومشتد والكاسان نا و يكثُّ عِلَىٰ إِدَا وَالْمِدْ الْمِنْ يُسْمِيدًا الْمَارُكُوا أَنْ فَأَكُونَهُ وَالْمَارِينَ وَالْمِنْ وجورال مدمان وبالمان ودكافان وكالذف قابي فدند يعاف معدوه الت ود اخيال اللند شام فك فدولس كما دشام وقال فينشام بود ترفضا الروس الرود و مشعر شندون برارستهل شنشره وأخت وأراج فدونه وسلا أن ووثان راور ساكم يناه بنكسة آجانية ودونهال مهازنوني ويداع شامخاطت والخاضية بالمراجد والخرصي والكرميل ويتعلكم واستناض وغدوت ولك كوزوا فافيل معاميها يقتل بسناه كالمكارية كوكا غالب في شدور مستول المركز جدا شده ورجان القريب فالرجوارك سيالا فالك يتسوديت لأنزاح الكي بوبالكرى من منصد جادكار ونك نز تعبيت كرده وفع مند دويد از حارر وجادل البرور فالمستعركان فانت باسمار كرز فالمناد والمركز فادها والمالية

مشول شده انها سرام الرب اردیس آورد بین در بند فرطان بر نباره و و و بس احدة المراح و و و بس احدة المراح و و و بس احدة المراح و احدة من احدة المراح و بس احدة المراح و بس احدة المراح و بس احدة و بس احدة المراح و بس احداد و

بلان مبركان أبل المورد المراب المورد المورد

من المؤدن المؤد

منزونسزود دورای شهر ما که دختی اید فضای مده خوایی مسایک دورای خواه مرتبی تستیم بر ما دورای مرتبی از مسایل ایرا منزونسزود دورای ایرای می دادرای می برای خواه دورای ایران می از از ایران ا الله المستوية المستوية الموسية المستوية المستوي

منا تراسي دون به من ما من من به من به الله المنافعة المن

و با خده مرافر المرافر المرافر المرافع المرفع ا

الدوسة عادي شرعه بالمسترك وهذا الدوه الموادع من تبديدا الدوني المواد المستروع المست

ادر من منطقه الانتقاق هر كرفته با مده ي معد مقد بالمنظم في بادر المقال الانسرولاب الشت ما من منطقه مند في المن من والمواسات بالبال هدما أنها معالم مند في المنظم مند في المن منطقه من والمن المنابل هدما أنها من المنظم المن والمن المنظم المنظ

لله الكيك و في الاخددات و دراس مال محاريد البيدا المعالي مودولوقاد من المعالية من مودولوقاد من المعالية من مودولوقاد المعالية من المواجعة المعالية المعالية

كا تجدا كل بسيط ميان فرصد برايرم يدنى الاجهان فروست بريكان في در الاعلما ي التي بون ي بعد المدهم المواد ال

 ريفاق بها و فوا الحلق بين اد الحل شهري را است انجاب الوكود المان و المان الموكود المان و المان المولود المان المولود المولود

بازي كنت وكيم مركب موت با براى عربي بسيده برات معان كاره والا و مرايدة المراوية الم

اتفال با توف مدوا اعتدان و کرد سنداده و سنده داده من الهمان و مهاده با المارات المارات و ما الله المستحد المارات و المارات المستحد المارات و المارات المارات المارات المارات و المارات المارا

سعون لعها يخته كف ند برون كيكرت العانى بالدين وحداني العاب الكلاست واستويا المعانى المحاسف واستويا المعانى وحداني المعانى المحاسف واستويا المعانى وحداني والمعانى وا

الموده المودة الموده المودة الموده المودة الموده المودة ا

را شد بسیاری و برگرفت در بسکره بهال الدواد ایمال که ایرک ترویدات و با برگفتهای ایمالی ایمالی ایمالی ایرک تروید ایرک تروی

این آن آن بودکدوش و بسیال برشش مکنی از نده میدون را مدی مطاب به ارست و برای آن آن با است و برد این آن به این است و بوده ار است و برد از است و برد ا

انگ داور دا دارج خبرگیزا باله مت ا در آب نا دان

خار مان کرده باست برده برده تو میزاشد کود کارس تکوش از نساه مورونک برده با این اداره و از نساه مورونک برده با از نساه میزون او خارات با دارد و از نسان میداد می با در در از اعتمال می بادند داد و از می بادند داد و این میداد می بادند داد و این میداد می با از نبوی از میداد برده بیداد این از از و کست مود می می بادند و این میداد برده بیداد با بی تراز و کست مود می در این می بادند و این میداد بیداد ب

واقع باستان با مواده الماستان با مواده والماستان با مواده الماستان با مواده الماستان والموادة الماستان با مواده المواده الموا

ن سبت ا دخاک مندور به عبا سال این گیم آمی میدی خد و اعتبار است این این است می است این است می است این است می است این ا

كدن دستان خلاص مشدند كوستان واسترفت بوندك سيد بالمنظم ودهجين خاج و متحد بداك و من المتحد بداك و متحد بداك و متحد

سي يوسي حاكم رسمة خدد المودود ميدان و در الله بي ميدخود ما الدود المسائل واست فاري كراب موران المراب و المراب في المراب الموران المودود المود

اد خاده ترجوان و دواند با الاستان المسال المارت الزمانيين البرائ شير كا المك والا المدود المدود المارك الماده المدود الم

ادر المادن كردنده المحال بن المساحة بين الاعتدادي الأرفر و استاده الن حال في مده و مناد منده المراس الموادي المواد فرد و استاده الموادي الموادي المواد فرد و استاده الموادي ا

مراه با بالطفال المسائل المسا

له يون المراس والمدار الموري المراس الماستان وتو و تعديدا والمداري المستان المراس والمراس المراس ال

Lieunius

البران الله وشعد ما كان و وجه مع في الرسيع جانبوده في سيد داس بيا مساعي المساورية المرافية المساورية المرافية المساورية المرافية المرافية المرافية المرافية المرافية المرافية المرفية المرفية

بادر دو النواكر دو در النواق التي تهديدا المساور الدون التوريد و التوريد و المساور المنافرة المنافرة

ما عند بور باست جند به الدواصفه الرضواي منافعة بالاندنى مديد يست ورست الناب منداد به الما استخداد به المستخدم المنطقة المستخد المنطقة المنطقة

من بالا من المواقعة بالمواقعة بالمو

ا دسالها مع دو توجه المنافع ا

اد بين سلمان عن بيده اين به شونسكرد سند كورس الا بالدكتاري به المعلاقة المساور المعلاقة المساور المعلاقة المساور المس

صدی به می الاتورند این آن ما بیندو است در بین به بازی بین این ما بین به بین سروت ایون عرا آندا در بین بی الاتورند بین می رسیعیا در کافی شرق و فیسا ابر سید بروی کدروست بود اسدانی سنل به این از بین به بین از بین به بین بین به بین بین به بین بین بین به بین بین بین به بین بین به بین تناوندهال سيادا و تجاهد المستان و تبار الما و تبار والمعاد الما و تبار المعاد الما المعاد ال

میدازان بهرای

ميس مهات على دعال جين الدين خاده که عمل عدد نواد و او که فتی خاص عام اددی را منی و خارات الله و الدي الله و الدي خدم خاص عام اددی را منی و خارات الله و الدي خدم خاص عام اددی را منی و خارات الله و الدي خدم خاص عام اددی را منی و خارات الله و الدي خدم خاص عام اددی را منی و خارات الله و الدي خدم خاص عام اددی را منی و خارات الله و الله و خدم و الله و خدم خالات الله و خالات الله و خالات الله و خالات و خالات الله و خالات و خالات الله و خالات خالات

روارت آخر نجاره و الآرب و الارتباط المن المنافعة المن المن المن المن المن المنافعة المن المنافعة المن المنافعة المن المنافعة المن المنافعة المن المنافعة ال

من المساور المواد المو

مه دورون سيده التساول المراب المراب

به المنظمة المن المنظمة المنظ

رفتان بهداره المساورة المستادة وي وشيح التي موالليات وهذا و درا وساورة ليه وفيان بهدارة المستادة المستادة المستادة المستادة المراح الدود وها ويهدا والمرسال موافعاً مبالفاركان ما ماستالات المدورة المراح المالات ودرا فيال في المالية والمالية المالية والمالة المالية والمالة المالية والمالة المالية والمالة المالية والمالة المالية والمالة المالية والمدورة المالية والمدورة المالية والمدورة المالية والمدورة المالية والمراكة ووالميالة والمالة المالية والمدورة المالية والمدورة المالية والمدورة المالية والمدورة والمالة والموافعة المنافعة المنافعة والمدورة والموافعة المدورة المالية والموافعة والمدورة المالية والمدورة الموافعة والمدورة الموافعة المدورة الموافعة المدورة الموافعة والمدورة الموافعة والموافعة المدورة الموافعة المدورة الموافعة المدورة الموافعة المدورة الموافعة والموافعة المدورة الموافعة والموافعة المدورة الموافعة المدورة الم

د به المراق المواد المراق المواد الم

روان بالمشكرة ملى تسعيد من بدين آمده بالتدوي الفائد المسلم المسال بعال بالمون المرافعة المرا

 داران المراك المستخدم المراك المستخدم المراك المستخدم المستخدم المستخدم المراك المستخدم المراك المستخدم المراك المستخدم المراك المستخدم المراك المستخدم المراك المستخدم المست

در المنافعة المنافعة

ما دو تما المستون الم

الله المستحدة المستحدة المستحدة المستحدة المستحدة المحتل المستحدة المستحدة

به در خود من مود هو المستون المستون المستون المستون المستون المستون المستون الموسال المستون ا

به الله المساولة المساولة الله المساولة الله المساولة ال

البرانده است معداد بنا مراحه الموادر و استبدا و است الموادر است الموادد و استبدا و الموادد و ال

بی نیکنهان کامقب لیسرابین ماکرندومداری بسرش الله المساول المساول

جو کی سید به هر معنان و خواه به این از بود که سیده مطاب دی از موکد آث ایم به مواد از می از موکد آث ایم به مواد بر از مواد بر ا

معن المنظمة ا

این در تروی در است کم ن خور در چی بی شد و در جداری برای در تروی به در است در در است و با در است و با در است است و برای به این ب

المناور بيش كامل كه افزود عنان خرف بو يك يك تدوي بوقى بيت اواد وكد من برخ وي المناور المناور

بالدون التدفق من معدد الماضل كما في البدين الدون المواق ا

الكرت التواسي المنظمة المنظمة

الكروم ال آسده مرسود و المصال الموارق المدارة الما الما الموارة الموارة الموارد الموا

در مصرانجان دانی در فراندگراند ۱۱ لی ان دیار موک مث برجوبس هف دور المنظرة ميداد و دور المنظرة بالدون و من المن المنافرة المنظرة المنافرة المنافر

من الإسلام الموالي المالي المالية المالية المالية المالية الموالية الموالية الموالية الموالية الموالية المالية المالية الموالية الموالية

المنظمة المنظ

سيد الدين المنظمة المنظمة المن المنظمة المنظم

من با من برای بیدا و برای به برای به برای به بازی به برای به

مرد المراس المراس المرد المرد

ابرالك فيعره زاني

را با المارس المساكم المارس المواجه المواجع ا

به المستوي في برماني في برناني والمجال المستوية والمستوية في المتحال المتحال

الله المساولة المساو

للوكية وشاكر المانية والناش المساكر والكراز والمراج المانيان recipies grant for the property of the contract of the second of the sec Fine the state of ٢٠ أنا الكريشك براجانى عن كانت آرا الإلك دامر ومناصّة بي يجع كالكسين جانى ويدكم والمناز والمشار والمواجئ والمناء فيناه والمواجئ والمواجئ والمارية والمنازية Mary and house and restriction of the state ترور وتقل ماليندونا إعل الوقاعية في المراجعة في الأوروب المالين وحقت الماليوليات Many of the second of the seco " Line in the one of the historial historial after the state of بمنتاع والمادان فوسيالك فرندي للركة موارك المراوية ومعادت وواري فوض عامية كالمشري بيناه الناكم أنسان أوالمان في المستناء والمستناء وال and the state of t The place of the property of the state of th علما أألب وين أود الموطن البلر منول المشترين ويواطون كالمات الإيانة لينافئ متنا وشواب فرادان العصندين والشفل كالمدروين بالمتساعيل المديري كمراشد فده فرمان بسائل

منواتي والمناوع والمراجع والمناوية في المراجعة والمناوعة والما المناوعة والمناوعة والمناوعة بويونوا والاستندسون فيشاه والالأكاف مصير داوض الباريان إكاف برعا والمنطق والمرابط والمعارض المنازي المتأوي المتأوي المنافث والمان والمتأوي والمرافق ويت الدور المنظرة في المنظمة ا والمنافذ ويوالله والمراج ووالمائل الموالي الكريان وبالمالي والمعتدين ويسن فالبوش وي عاد منه والكريب ويتاريك ودرا المرايا الماعل المعاولات والماعلين والماعلية والماعلة المعاولة والمعاورة المعادية وفراكون بالمنافل ومياست هيافات كالمرام والمناف أعداد يمان الأسال المرافك المشاركة المراب المرابطة والمنافرة والمرابطة والمرابطة والمرابطة والمرابطة والمرابطة والمرابطة والمرابطة والمرابطة الذمت الك وزور الفريق الهجمان المحافظة بيروش فامرادانك يسيرماله في الكنافي ملة بسيناني طلقنا قبل بوأن كردواء مستلج فاجه بطلقنا المعمدوص البيمنان أنبض فك فحصران المتواقي The first in in the stand of the standing of المناق المالية المنافرة المناف The control of the design of the thirty of بجوية كمياج ومدارك شاريق المرائدة ويتقرف فيدوفن ليريط والدكارك ويوسلون كشريع

ما كان الأي المركزة ا

Hill of the test of the contract of the second of the contract Por the second of the second o موجهة تغني بالمبارث مت والمرودي والكافية المحافظ المتعادية The the distinguish of the way of the Migrate Stir Their M. المبي مال أول الأن المراجع أوارات المتن أوروه كالموسوص الماء المناوات والمواعد الذي تقوام الموادرة أوقات في المواهدة المراحدة والموالي الموادية كالمراج الأميت والمواجع الم والاراك كالمراب والمترافية المترافية في وكل مام المرافية والما المرافية والمرافقة المرافقة والمرافقة والمرافقة والمرافقة والمنافئة والمنافئة والمنافث والمساف والمنافظة في في المامين المراكمة المرافعة الكون المرابعة المانية المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة تسبيات كنفوع والإدادات مي كالمنافث الصال جمك يترجد تبعيب الدجن بالك ويولكان الفائس قال فوندا كل في تبركنات وفد كلس شندو كل يشرو آرد فلد الله والمارية المرابعة والمرابعة والمرابعة والمرابعة والمساجع المرابعة والمرابعة والمرابعة والمرابعة المناوية والمرابع المرابعة المرابعة المرابعة المتعارض الم وأكثرا واخته عنس معانيه والموالي والمسابقان وانبث بكريري وارسلواني وكراء الماتفاق وروالا الإستار ما نبع ي الدين الأول الأولان المستريد والمعاربين المراح المراقع المراق

أأكث مضالين فان العب كدوسه العرض ويومونات والمرآن وكالمال المرية والبالدين والتساول والتوافرات الكالما ويستان المتراوي والآراب والمراكزات وا والمستلف المواجعة على المواجعة المعالى المارية المارية المارية المعالى المعالى المعالى المعالى المعالى المعالى الإعلام المناس المناسخة المناسكة المرابعة المناسخة المناس المراك المنافعة المراكز المراكز والمراكز والمراك تحده وتعاوت ميان بي ومقول هسال بت وبين الشروع وفوج فلهم من نوفز ويونتن أخساسا o The same and the free wife of the total of the first of the same المناس فالمراك والمناس Elisary Con Maring to Things of James & to والمعارية والمراجع والمناجع والمتحارث والمامية والمراجع والمتعارية والمتعارية والمتعارية والمتعارية والمتعارية ري الأرجان في المراجات الإستان المراجة ال والان الله والمناف وتساور فالفي والانتفاق والماد وتفت مال بدويا مت المبترويون ليهامن الأوارف والمواكم أنست أجها كالمتدف تالعنون كالدمين المستوالي والم Mary Long and Million William Commence ورور خارس وي وي وي ويست مار سري وروكم مروي زواكم مروي والماكم كده مخاليف كم

المعلق بين حاصل إلى ما المراحة المراحة المواقع المعلق المواقع المواقع

من مراح روان المراح ال

بالدون الدون الموادة المن الموادة ويساد الدين في الموادة المو

الله المستخدم المنظمة المستخدم المنظمة المنظم

مين بالمدود الم المنظمة المراب المنظمة المنظم

 من و واب شده به المراحة المرا

به الله المعالى و المعلى المعالى المع

بر الما المستون المستون المواقع المستون المواقع الما المستون المواقع المواقع

المراسية الموادر تبوي الدائم وسائح الدائمة والإنجاز الموادر الدولية المراسية الموادر الدولية المراسية الموادر الموادر

من من المستون المستون المستون المستون المستون و المستون المست

الكران فروخ من والمجار المستركة المستر

 من المواقعة المستون ا

المراس المواد المستود المواد المواد

منان أخران كا ويقري برقت في ويترات وزيره واب كفت كني مناوي الانتفادة المستادة المنافقة المنا

الله يعتده الانس عن المعتده المعادلة المحالية المساولة المستون المعادلة المستوية المعادلة المستوية ال

البياسيون ميدالها الفردة وي فواكن كونيت ست ميكن ويواب ويشر كرمت والكونون المراسية المستودة والمؤون المراسية المورد وي فواكن ويست من ميكن الدوا بالبيانية المورد وي فواكن ويست من ميكن المراسية المورد وي فواكن ويست المورد وي المراسية المورد وي فواكن المورد

المرافع المرا

من المنافعة المنافعة

من المرافع ال

كو جلب بالدن المادة في المنافعة في المنافعة الم

بناه به بار در المحادث المان برخ به الموسان ا

الان المنافية المن المنافية ا

ان فالم بوالحال الذي يعدن في سبس إلى المرقع الديد المواقع الم

ن الارد الذكا الى تا را الدولات الطوالات الذي يوارث كمون كوالات بوالي الانالاي المواق الدولات المواق المواق الدولات الدولات المواق الدولات الدولات المواق الدولات المواق الدولات المواق الدولات الدولات الدولات الدولات الدولات الدولات الدولات المواق الدولات الدولات الدولات الدولات الدولات الدولات المواق ال

مها برای ساهای این با برای برای به این به در این به این به در این به دارای به در این به در این

ما قد المنظم ال

ما المساحة ال

من المراق المرا

Company of the property of the

ما المراق المراق المستوان المواد المراق الم

من المرافق ال

ما المراح المرا

ما به الأركار التي المستحد ال

من المراق المرا

الكذا و المستود المست

هيان وطنان جديد بيارد وكفيل الطائف البرقاق المنان البروات البرائية المنان بالبروات المراد المناد المن المناف المن

المنان المناز المنان المناز المناز المنان المناز المنان المنان المناز ا

 من المستقد المستقد المن المستقد المست

رنر بي فايت الم

وأران بمسياه ملطان بتيايات بوداين نوت جود تسين اداره فزان دخال موياه ملطان الدورات روي مكروز ندان و ملطان نرور دالفاحة كاب امدان رفت وغزان لدماه تلدي الأول اسال مرور آمد و دست مرة نقش فالى شرد الأردرون فالق القبل آرده كرفق أن مقددا ثبان خود مدارنس وغارت مس وأكراى أوبدفوان ملشان مافعات مودانات ويزملنان والبرست آريند وبازجات مرورات كأثر دان زب المرود رمام ماند وما فد رماء وارمتك كرد آخراه جون طاقت مدافعه والمستد الانسرة فالمرغارات وسافيدورا فاتراخ أرزه ويؤسند دامراه اهران ومردادان ملطان توادملطان فالمست منا در تسديعا ثاوي الل مرا بوريكوت نا مندور فوشوي الفوائل طب وكذبام او وهندا سي الكالة كالمتراض الموام زرات وروانوف للهاف ورثاب سال كالروا المادان منجه موث وغزان جل فرؤ كسليانا وشد والسال نراسته اوقام كم ارثارت في مردوضين تصبه ويكز distinguish of the wind of the state of the the . الناه لي قوف مراسم شدندوروي كميزيثاه ندونوان تعاصا النان لموداً أشهرا نبزانند تيرون مطلق ما ختيم. المستري المعتدن المناف والمؤافق الماس الموس المست والمست والماس الماست كالمتنافل المالية تسن ريان في وارم يعد س فياس أس بيناصلوات الله وماد عد كرواول أن فيرس

ويندن أنه الراحة الدينة كالانتزاء ويدن والالتال أمريم منفاق بمسيعيت المالين أأث خواصل المرابس والمشتدكم في الإست منسول بين والتبعوض فودوه لمشتق في منطوع الإعاليُّ يتيان أوالما المعالى المستمالي المستمال المستمال المستمالية المال والمراجعة والمراجعة والمراجعة المراجعة المراجعة والمراجعة مجرين الكرماها فالمرتب غير خور الشكرى زوان آن الاستخداد من غود والإماميال الحرارا لا أوا يور سنزان ميدونو اذريدن مقدم شكو للطان غزان فاحتى ارزيكان فودام يكر ملطار في من المنظا الاتداده استفارته فالمكث شأريفل وليرش وساده وبعدار كسيك الدائك وداما Committee of and in the state of the said صغوف بإدساطان بست كافي فودندي واتش جدال وقال اشعال كيفت عزان هن جا كريند الشد الضرفة ثات وكمين ووزية المقدار كارزار كرونكرنيا وملطان توازيفاوت الثبان عاجر آمضو مدل فريسان ومناطان جون انجالت دامثانه وخودهان كاديكاف ليومنطف ماشت وعزان تعاشيعون ن منطاق الزمة طامان ضرب تمشرونان فاك كردانيد دكرازتيارد مرون ودوج ن حال من سيد. باروكوتيت كرده بازكت القاقاجي دولت بلير قنيده فاخترا الاست ابن ابت نزفزان فالساحد دادبا وأسال كزمتن رسيدوساطان اجهي في بيريدو خادداي بك ومع وماه ميال وغرشان بالمات كالمنتف على يتبدوك والمالي

واليان كاجراؤة إثارتان دراته وحتسار غام كردند وحندان اساب وابوال ازانشهر بدند كوساب آن معناه بشرخوالفقد يغزان وشراسان كاسي كمروز كدشرج آن نبوش مالجينس واتوان غرورس والسليا شاوخا المعبعة خا وه در از در کار در نوشند خاران کاراه روای در وی تباعث داری ما در باده شوال در در شاه طامری خواهای لظام الملك بقدر وم ودوره والمان ورهاب كوونيروقات إفت ومعدا ذوت او برس وعلى ف طا بروزيان فأو سيدال وزيدوضف وولت اعطا برندا الكودية وسرال التدويرا بازاكذات م. بالمساور في والمرام ما ما في المرور بالمرور بالمرام الأخوام والمواقع المرور والمرام المرود والمرام المرود الم طارنالالقاب اوخري كردانية درناه غوال سال آينه باه غواسان دفل واستغان مود آمه من ت وقع قال كذران العات شريراة را محاجره والمستعملة منا ما ينان عمود مؤان كرا الحام واقي شدود الكران كالماغزان طغروت ورورنا مان خال مسرور تك لاشان فرد بجانب مثا برمراجت كرد وغران فراد كاهره شروات رخاك بحاث مروضة دان وب ازازاالي ود مروكان رزيادا عِلْ مُعْمِدُ مِن اللهِ وَيَعْ وَيَكُونُ وَاللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللّ المند برور مد خاطوم ركال فاقر كدويا واليال المدود كل فاري وركا داكر المدود وكالخراج وكالخا الله المحادث المعالي المال المدائل المال ا كادمود وكاج المراكي ورت الموت فالمان مرواز شاريجاب مروا يحك بزان كي الفاق المالي المراج المراجع ال

اصلاكنت وادهواعمان فوب كوروز بتسروت غزاكة شندكي سرية أرشى فنب سادات موسوكا ووكر خطب سبيل مجين وثينة الشوخ محدين محدود كيصلى واقباء أن دلات بباركت شدقه ودواه شوال نيا آخه والغزان اوطوك خانب نشامه الأكمندوان زرت المغداق وكشير كرد ووثبا وكرج وتقوالان انحابت المؤوندور محلوبا زده وزور وفراناهمال وزأك تستدود فدازاعيان ظافرونا عي كسافي شده مدار حن وضواص كه ارزاد وال داد و بدواي كي تري الا تراس والديكات واس والمواد منا منكل والتدين جامد ومبدالرج أن وحيد المراب سطالها الدي وقامتي صاعد بن هيد اللكت وحسن بعبد المحد والتحادة ا النان بي اذموهم فعب والفرته فتل ركسيند وحذال خار التاسط المان والمان والمان المان الما المان المتساعل ويتركب المساحد كالمتاركة كالماواج فالمستنط الماني صاف كرينه ويجاب مفلي بشاقراش وكرشرة كرينه غيراهنا وفي الروائي والمتوافعان كرد استرا مشل المسيدة في عبد الحبير بحد من بعد الما جداد المناسعة عن بعدي الما ين المنابق مد الما الما الطال كد من بالربود الذاب قدري كدوج عام مخ ود درجا او منداي ما ويواد فتن دراخل كي تستيد معدادان بانظال والتي تبايد المتدوا مقداد متوسطا رسال شدور التيان رسده ودكاكر ورم آن فاجى السباب وامرال خودا فيارشان بدواند ودرا كاجمت مود واي قر جندان توم برشاد منان شد در اللي آن ماره بازار مرافعت ومفاومت آن جاعت وبالمدة عافر شداد ا

على والتعذبان وخراقي منطا الأسطان مي واست جدف البند المهدد ابنا يوابيط الأسال مي الماسطان ميدوا وي المسلم الموافقة والماسطان مي والمسال مي والمدوسان الموافقة والمعافقة والمعاف

و الا بعد المستان الم

المراق المورد الدين المورد المورد الدين المورد ويدا والمراق المورد الدورة المورد الدورة المورد الدورة المورد المو

المنافرة ال

به إسال مبال كرجها والمسودي والمادي المدين الدوجوارات بياراتي في الموسودي والمادي المرابط والمستاد والموالي الموسودي والموالي الموالية ال

الله يوارا المان كود من الموسطة الموارات الموار

خارده في محدد المحدد المراد المواقع من المورد المورد المورد المحدد المورد المو

اورن

و من را خال فررسدگاری مندول برد باشد و این بدوایی به منان با بستان با منان با بستان با بستان

الله في المستوان المعلى المارية المستوان المن المواد المدون المرقبي المعلى المدون المستوان المستوان المستوان المواد المدون المواد المو

استان المستود الموارس المستود الموارس الموارسة الموارس المورسة والموارسة والموارسة الموارسة الموارسة

المساور به المواد و المواد الما المواد المو

من عاصد به داخل من موسود المن من موسود المن من المن المواد المن من المناف المواد و المن من المناف المواف المن المن من موسود المن من المناف المن من موسود المن من المناف ا

المنظمة المنظ

است دول برود المهارا المستده بالموسية المدون و المراق المدون المواجئ المواجئة المستده المستده

ایای صبق در این از در این مورس ایسان به با ایسان به دارد این ایسان به دارد این ایسان به ایسان به دارد این ایسان در در ایسان در ا

الاسروان الله تعالى من المسروان المسرو

فکست فرزندی محمود و متآود مصعب قال فاریخا زرمینانس دوگان بهر موده الماري المواد المواد

É

به المراق البنان مرميا بدند ما يوجوان البنان المان التي المستند البنان المستند المستند

كردند و بالا و دويد دولات البنال نبود بالتسويده مين بكرند بادر و فال المنا و المناقب فوده بهر المناسبة المناسب

ماهان خوافراد دائری دوری اطلات ایریس کال میان دارده دایدیال دو ت کرد منطق منها فی استان خوافراد دائری استان میداد به این این میداد به این این میداد به این میداد به این این میداد به این میداد به این میداد به این این میداد به ا

العالم المراجع المراجع المراجع المواجع المواج

· CE

ا نظاره المعال المنافعة المستوان المعال المستوان المعال المستوان المستوان

من المستان المستان المستان المستان المستان المستان كار دوليان الدوليات الدوليات المستان المست

عران الحال الأنار و دارات المنطارة من موجعات والاستخدار من و بين آست العسموم منوا المراح الثالث و دارا و المراح المراح الثالث و والمراح المراح المرا

الله المساورات المستواعة المستواعة

الاردون العناوين في رفودكون بعطان سنواد سن في فات مدود المدون ساوي الموالية المرافقة الموالية الموالي

ر صور بالراد و فرد و قد مده الموسال بالتحديث بستان بي في التي تبرا ندر الارات الله المستال ال

من الانتخاب الما الموادن المتعادل الدين بين المهال الدين بين الكان المعادل المدينة الما المدينة الما المدينة المتعادل المدينة الما المتعادل المدينة المتعادل المدينة الما المتعادل المدينة المتعادل المدينة المتعادل المدينة المتعادل المدينة المتعادل المدينة المتعادل المتعادل

مان ما در و المنافعة و منافعة المان المن المنافعة و المنافعة المن

المان المراكمة المورس بالمورس المورس المورس

در دوند کو از او دو در برام کورت برای با مرابی تورند که بی و با صف دوسی تبایا دار با می وج ن نجی با هدی این با این بود که از او دا با طفت بردار دا اجاما جوابی این با تا با با این با تا با به با این با این با تا با به با این با این با تا با به با این با این با تا به به به این با این با تا با به با این با این با تا با با این با تا به به به با این با تا با با تا با با تا با با این با این با تا با با تا با با این با تا با با تا با با این با تا با با تا با با تا تا با با تا با با این با با این با این با این با با با با با با تا با با این با با با این با این با با این ب

بها دون مديك روي منزل سدوكر من كان بون بداخه و من واحمد واحمد و احمد و المعدد و الم

المستوالية المستوالية

المعلى المورس من الدين الكوال المركز المورس المورس

من المراق المنافعة ا

من المراق المرا

الفياسية المراحة الدي المراحة والمراحة الما المراحة ا

المراسية ال

الإراب العلى المنظمة المنافعة في من المنافعة ال

المراح ا

The state of the property of t

در المسال و براسة و معرف الرائد والا المنظمة و المنظمة و المعرف المرود المردد المردد

الم المسال الم المسال المسال

من برا فر المعالمي مي المعالمية في المعالمية المعالمية

ادران الا مراز الماريخ مناريكاه بو مدندان اول المتادي الله يا موزي سايدان الماريكارا ومنارعات دادة ساده المراز المراقات المثال الود دا ادام الموقعي يسد كراد يا بين شدكا مخرج ادران الا مواد الماريخ الموقع الموقع المناب المراز المراز الموقعي الموقعي الموقعية المو المن مورخ المورخ المن الموري عبد المداور المورخ الما والما المورخ المنظمة المورخ المورخ المن المورخ المورخ المن المورخ ا

من المنا المان من المنافع المنافع المن المنافع المن المنافع المن المنافع المن

من به من العالم الله إذا ي من وي العالم المن الله الله وي الله الله وي تراكم الله المن المن الله الله وي تراكم الله الله وي المن الله الله وي المن الله الله وي المن الله وي الله

را بعد المراقع الما بعد المراقع المستوان المستو

اساس من المساوي المنافعة والماس و المنافعة والمنافعة وا

ما ساده الما المراق ال

الإن المناف الم

الله المساور المساور

يوست من بر في موجه الما المدين المساحة المدين المساحة الموجه المدين المستعلق المحتوات المساحة الموجه المدين المستعلق المحتوات الموجه ا

شان فاخر به مسان در استان به مسان به در سان به المستود واقع موسوان به دا تها به به المستود واقع موسوات به المستود واقع موسوات به المستود والمتحدد المستود والمتحدد المستود والمتحدد المستود والمتحدد المستود والمتحدد المتحدد والمتحدد والمت

المساوي بي الم الله المساوية المساوية

كود و المعالمة المستان في الإستان في المستان في المستا

من مرات الدين مبان فر الدين المسال مهاست مركز الماست و مران بالدين الدين المركز المرابط المركز المرابط المركز الم

من و من المسلمة و المسلمة الم

من المرافعة المستان المرافعة المستان المستان

من المنظمة المن المن المن المن المنظمة المنظم

ياف دورا و وارکوت و داده المان المان المورس به المستان المان و با القالم به المورس ال

المن مودد و بعد المنظمة المنظ

A secretary of the secr

به خواندان الاسلام فرادن الموالي فرادن الموادية الموادية فرادن الموادية في الموادية والمدادة والموادية والمدادة والموادية وال

من الرائد المن المنظمة المن الاست المن المنطقة المن المنطقة المن المنظمة المن

به روانه شد کارد ند ای بر این بازی با بازی این بازی بازی بازی به این اداری به این از این به این اداری به این از این از این ا

من بالدون المستران المستران المستران المستران المستران المستران المستران المستران المراكدة المراكدة المراكدة المستران المستران المراكدة ا

المركزة المراق المراق المراق الموادة المراق المراق

دوار بحقد دایش به این سراید او سود به این سده به این به این این به این که می سود این به این که می سود این به این به این به این که به این به ا

نا دوگر با است که هنده منسده و من عیاس و بده مند آن و من فرده ی تراست که در این با است است به این است به این است به این است به این است به است به این است به این

سارة والديكاري ترب بغرود و مناه تأور و توسال وعيال أنهان و و تعرف في تعرف المدولة المناه المالي المناه المناه و و توسال النهان و و تعرف المدولة المناه المناه المناه و المناه

معن الدين الحال الدين من المستوان الدين الدين الدين الدين الدين المستوان المستوان الدين المستوان المس

المع داده مي ال الحلاج الف المياد المن المعلم الموسود من شده المعلم الميان الم

العالى فرد كلي به المواقد و المسترات ا

ما الله المعالى المعا

به معادا و بعد و المناف الدي فا مواد المناف المناف

و الدين المواجعة المعادلة و المعادلة و المعادلة المعادلة

مي وي بالا بريان بالدي الدين بالدين والما الدين بالدين الدين الدي

وست دان المستان المعالمة و من المعالمة والمعالمة الما الله والمعالمة المعالمة المعالمة والمعالمة والمعالم

من الاستخدال بالله والموضيل معالم الما والمعالم والمعالم والمعالم والمعالم والمعالم المعالم والمعالم والمعالم

وسن الديديد في الما المرافعة المرافعة

المسلق الن بالنا المحتملة في المردود في المردود والمساهد المدينة المدينة المدينة الما الله المعالم المدينة الم المسلق الن بالدوم و المحتملة و المردود و المدينة و المدينة و المدينة المدينة و المد

الله المستخدم المواقع المستخدم المستخد

ك المفارة على المان المنافعة المنافعة

من المراح المرا

المفال ملطان الموادية من والإلصان الموادة والمدر التيان المعادة الدين تحريدان والمعن المستدادة المدر الموادة الموادة

المان من تحديد المراور المواد و المن المواد و المن المراور المواد و المواد المواد المواد المواد المواد و الموا

الله بعد المستان المستان الله والمدار المستان المستان

المستودي الاطلاع الموالي في والمدويات المستوانية المستودية في العدد المستودية والمان المؤلفة المستودية والمدوية المستوانية والمدوية المان الموالية المان الموالية المستودية والمدوية الموالية ا

Co

 ما فاراد و الدس العالى و فات العاد من منال من بالما الدين الموال و المدينة الموال و الم

الدارخ النواع في دويد الضيدود الوغزان عمت كرده مرم واآمن سلطان دا دا دوير دن كرد ند
وخزا الدنا براج فوده الشباه احراقت الدون دست الشان كريّد تروق اشاى آم
وخزا الدنا براج فوده الشباه احراقت الدون دست الشان كريّد تروق اشاى آم
خزراا وغزان كويْد مرخ و شاه مور دا الماش باز كرفت وجن المطابق استقال بساكودكنُّ
غزات الدين غوري وشاه و مينا دواه كرمنا ب اقتلا آنچه ان ولایت نوا مان وقعه و است كركنُّ
موات وفورسنج وارغيس ولمبنوا ب وقال المازلات والدون وجناب ادافت كه كركنُّ
موات وفورسنج وارغيس ولمبنوا ب وقال المازلات والمائية والدون وجناب ادافت كه كركنُّ
موات وفورسنج وارغيس ولمبنوا بودورخ وساريته وكدا وفران كويْت بطور العال المائية المواق والمائية والعال المائية والمواق والمائية والمواق والمائية والمواق والمائية والمواق والمائية والمواق والمائية والمواق والمائية والمواق والمواق المواق المواقع المواقع

وا من با ساده و به الدي تراسل المنافع بيدا من و شوا الموسلط المواحث الدي كم طلب المواجد المديد و المديد و الموسلة الدين و بالما الدين براه الدين براه الدين براه الدين براه المديد و الموسلة الدين الموسلة الدين الموسلة الموسلة و الموسلة

دن البادي المساول ترديدا وهو من الدين الموالي الما والمساول المساول المساول المساول الموالية ال

برا الدين والمراق المسالا المدورة الموادية والمراق الموادي كان التواديث والمراق و ما سياحت المراق الموادية الم الموادية والموادية والموادية الموادية المواد

دهای ما چنت خالی دادر استفان به مرکسی می هزیت عمداد اشد به میداد برای با آثارا از استفاده به با و ندا آثارا ا معلی الدانی داکست داد می ادر ست معلی خیات الدین سیده دا جنا اختیاری به الدین الد

الله المسال الموسيد الوال المسال الم

من المراق المرا

مك وزالدين الملاقات كود كان صبيا وكردية باي تعصيل مذكور شد فردالدين از اي حرك ميام الدورك و الدين المراح المت المال المناطقة المن على محتم كود والمال المناطقة المن على محتم كود والمال المناطقة المن على محتم كود والمال محتم المواد والمناطقة المن على محتم كود والمال محتم المناطقة ال

ر معودان برندند. کرداده هرررون و

كل بورالدي واست وفي التي حسب والتواعل الدي يحد المواعد والدور التي المواعد والدي والتي المواعد والمواعد والموا

و سندان دوره بر مرکاه الشاور او الدوران التاریخ به او الای ریمانی با در الای این الداله این الداله

دران با دوم و المراق المستوان المركزة العدا مساور و المارات المارات المواجعة المواج

مقد به بعد وجون قرد من وجد و است با داون سندگردت به باید و از کندگری و من به بی کرد کرد از من می کود کرد از من می می کرد کرد از من می می کرد و از می می کرد و از می می کرد و از می می کرد و از می کرد

من المنتساطة في الدين يقاوم سربه بعد و كار الحاسطة المنتساطة المن

ا داد و الله المساحة المساحة الله الله المساحة الله الله المساحة المس

ن المراق المراق المراق المراق المراق المراق المراق المراق المواق المراق المراق

به المستود ال

الا المنافعة المنافع

د ما را ما المساور بيده المراسية الموادية الموا

والله المساول المساول

من المارا المارا المورد المور

من و بسده و المراس و المراس و المراس و المراس و المراق المدين المواد المدين المواد المراس و المراق المراس و ال

من المرابعة المرابعة

من بالموارد و بالموار

الدين أست كان حال الدين الدين الدين الدين المستقد وست المالة والمستوان الدوسية أولها المكنة الدولة والمستوان الموافقة الدولة والمستوان الموافقة والمنافقة و

خمایم وسمال بارو اردی افغان بین اوجه و

را أي يقد من سال كان بالله الدي فا بالدي المالية بالراد الله والمراد الموادي المالية المستود و المراد المواد المو

الدكاف كفرية والقرد المرثت بالاكراي موه منها وغيف مغيار كرال فطب الديرة لبازاز تؤاد مرث

الناس بريد فالأوا فالمات كندو وكي ليدا فني الدوم كريم إدراش مي ما ووجندان

دهاست أوابده عنت كه بالدائرة المن متصور فيات وجوان فاستغن أن فكاست أنفاد مطلية كروهن والمكينت

معلان الدين بالمراجع المواقع المواقع

به به من والمراح به المراح با المراح با المراح بالمراح به المراح والمراح بالمراح به المراح و برائر المراح به المراح و برائر و براح به براح و برائر و برائر

من المراح المرا

المن المناون على المناون المن

المن المناسبة المناسبة المن المناسبة ا

من دري اي كور مدود برا من المواد الم

I zon in establica de la completa de

الفاج بيستين عال عاصل تدوا بقد تدن الإسماعية من الدائم المن بالكندود الترق المائم المن الكندود الترق المن المن ويُود كارت المائم شراع من ويرش بالاراغ المن بولا مائم الدوا والدائم ويراسات ويدائم المن ويراس ويراس ويراس المن المنطقة المن المناسسة المناسة المناسسة ا

المراق ا

مل أن إن كان من المواد والم يحت شده الدي قسار ويؤون الم المواد والمت المواد والتي شيخ المراد والم الميال المنطوع المستكر ويشم شيخ المواد الميال المنطوع المن

ادر انبال در در ان ان محد المان و کند به و دان بلده به و ان ان و انتقال در ی با ان و در انتقال در ی با ان و در ان انتقال در ی با در انتقال در انتقال

دوره من الدف المناوعة المن المناوعة عند المن المنافعة الدوره المنافعة والماج الديرة المنافعة والماج الديرة المنافعة المنافعة الدوره المنافعة المنافعة الدوره المنافعة المنافعة الدوره المنافعة المنافعة

The first of the color of the c

الا المعادلة الما المعادلة ال

ي المورد الله المورد ا

من المراوع في المنظمة المنظمة

من المساور ال

صلح الدن عاجر الدورك المستان و و الدولة بي الدورة الدي من الا الدي حود الدين على بالدين قابياً الدين على الدين عاجراً الدين على بالدين قابياً كو مذاور الدين عزود الدين عزود الدين عزود الدين على الدين الد

من المراق و بالمراق المراق و بالمراق و المراق و بالمراق و بالمراق و بالمراق و بالمراق و المراق و بالمراق و بالمراق

المدهدة المنظمة المنظ

المنظرة المنظ

500

الله المستقد المنافقة الما المستقد المستقد المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المن المنافقة المنافقة

الله المساول المساول

الما في المنظرة المنظ

الله المستقدة المستق

And the second of the second o

العامين للمالية

برد به المستوان المستوان المستوان المستوان المواد المستوان المستو

المراح ا

الإنجاز المستخدم الم

من الما المرابعة الم

المادرات المراس المراس

 الها بالدين الهوار المراسية في المود في المود في الدينة في المود في المود

مدين المرافع الموادع الموادع

من الدين المراق المستوان الموسال المو

النافري الأي ساد الدين والمنافرة والاسكان المدود ما والدين تسديداً المدود المدود المدود والمدود الدول المدود المدود الدول الدين الدين

من المساور المستود المناسعة في المستود في المناسعة المنا

و به من المساور المساور المواجعة الموا

المسكن هذا ب خوا به و وصعيع الدين بي الدين المستدر بيا و منه المستدر المستدر المستدري المستدري المرافع المداري المرافع المراف

الله المساول المساول

 الدان الدان المواجب بين كان الدون المواجب الم

در المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرفع الم

المنافعة ال

25

اس با المراق ال

المعدانية المعد

المن سال المن المنظمة المن المن المن المن المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المن

البال المن الله و و و و الكريسية المن الله و و الله و الل

China .

المان المنظمة من المنظمة المن

الإدرائية المواقعة ا

Se.

المنافعة في دواستان المنافعة المنافعة المنافعة في المنافعة المناف

من المساعة المراكمة الله المساعة المراكمة المساعة الم

وسكيم بين يكسيد المرد في الدارا مي الدونية و يون اور و يلان است بر و يحان ارداي خاليدة المستوية المستوية المستوية الموانية المرتب المرت

الكافرانسان الدين في مست منها شهاد الدين المستوع في الميان الفات التي المواد المراد الميان في المستوع الدين المواد الميان الميان الميان في الميان ال

55-

ميان المستود الموالية المستود المتوان المتعان الميان المتعان المتعان

مالناه اصر رسانيدندغه ارتبانغونكي إرفزنج كه ارتسا برايا انحاآوره جدامير غاعارتجي اورامان وا ده بودوسروا الطاية والداد جسياداته المدووة يكشت كالبالراضي كوانيد والاصرامش صادرال يكسودون فأعضه بود وساوح في النبي الدين فعاد يرسيدكه الأدام فايفة وكذر معلوجية كما ذاكستها باريستند وسلام الدين والطهاك وطائف ادفع واكتارت الزاورواك بالميداري المسالفاوه الك المدريات البياطان كويا الله فكراث بالبيل الكانا كل من كدوران فت كريوات الثان بهويده فيتستسل جانسكي النامين يسبق السيع كمعاملات كمعاراتك والمعارية فيكفوا كالمعارات كمعاراتك والشريف بزوج في الزواع الفرية من كي تشريز في معلى المعالم المع صلاله الديريا والديمة أومردواليان ومكذت ووراي أما فاحة غايدة ومسلوالدي توجيلا وكر شدة آثرا بحاصرة كردوا ولأكرث بالغلى ان قلعة فرئادوا شائرا توفيف وتهديد بساركردك أكوفعه خابي كالسلم نس فانيدجان دمال تُولالان ميديم والآلاب. ارتُح كرنيك بغياب التي برقيع تُولالا تُحاميد كيث فغس ^ا شروع ورشك فروند ودبايها أما بال بعرب بدنيا يكثرت بادان بالصلاح الدين بانجه بانتي سل غفيتند اخلار وزكر بالمان بطف شصل الدي فيؤسوا وشدوتر انداند مردامان سل مافت بالمدكوب الجوم أورد وصدارا ول را فروكوت فركان جوب التيوم را ويد ناجا حد فه آمده ود سسال كالهداش القاحد بإزوار مستنده جوال المدونيز فايوس شده بروند بالضورة كرميش صليح الدين تباده الما فاستندو والأ

وانتعال إثبان خافل شامت عرومية ما وولات ترب اثنا راامداد با يغود ماكد ان قلعداز وست المرمود وليا غابل دولت موارانياده فدوسه عاللات عربه وزائدان موانظه كالمرتفعان والتاجية لعن با زفرنا بدما وجود زندگی نهب وکال مهب و تقل واشت در متی که رخصه اور مردن آنسام سیاه و تون ا م لهادا نوعي الميكر دكيتوويا درقاعة كوكب رسانيم واكنون ع يصطاع الدين فلعضف را تقاصره واردوعهمي ازامراء تفكك مانية تي مديات كتام والمدران حراوث قاماد باواتان بالمتبين وو مكشهن البجيرة وماجلك كمسترة ورما يتصلمت آشك شيبا باور عاده روان فيشروك وأنيا المناورية كالمناوي المراقة والمراجع المناور المواجعة المواجعة المناطقة والمستناط والمستناط والمستناط والمستناط بشماما فأران يارا وكالمدانية فيصوران المعاددات المراكات البكا رسرون وفت جين بدان حواد الترخص إ ودوروز اطرابشا بصورت زكى بالنعودي نكسة تنحصر خود فركا كودران ورايد وتصرير المكتب العاعث تودراب الي سركي رسايده وكيرش كوند في الدو بضربياتك وتكنوبيقي تنال بربسية وتنتوش تتدكه دوست مواردان كوهنيا واستأريخ ابنداب خورابا برفاعه رمانيده كشندوآ ذوقه وآلات بحرب ماشيان رمانند وخود نيرمد ومعاون إشان باشند والنصف فيزكل كرفة والبوقانات كاميرون والمان كرودا وروامير فابنا ذمورب راي جرباه توا جمع آورده ان فكى ماش الشاخت النيان فود إبان غاركه اليان كالموسية المسطولة المساوية والمراب وكالمطلقة المتاني في المنظمة في أن المن العضاء المشاركة على المنظمة المن المنظمة المنظمة

الإوار المعارض المتابي المواسي المواسي كالمرابض الميادي المراده الماس أويك المعالم والمسائلة يهريش بكان المستاخلان بتعريبين والمواريوس بين المستأبية استأمال بالروا The weeks projection of said was it for well in the second with والفال واعالى كما موسى المالان بوكره وتحدونيال خام سالفت ويجت وتونيا ويسر واردوي سالك شرت ات مك الفنو المعداليك فودكمولات في الدير بالون إرزالي دارد بأون ما تأريب المراك الكناف والمستحدد والفراع كالمنطوع الفراك المتلكان واستحد والمارا والمنظار والمنافر والمنافرة والمنافر والعالم والنواطل الملاشدات كالدافك أفني إستدا فدنيت بنابديها معيضو شروكس مك عله الدين ماله فرمناه والدون الأكسس فيوكم فوج الدين الدين ماله فروكم فامل الدين والدفر في الم كدراندكها غيارباب غض واصحاب مداسع اليكن مهاميند والمرتض إقبراء مهال يوه ومراغيرار زمدكي فراي بنوائي فالمدوكين تبعين فك عاول الصلاح الديك والدواة أوات مودوياتهم الداخرة كروا من المان الم الكه ووون جوك مريدك بارت العران ونها وعمه اط وسافا رفين بالبث بإطلاع فك عاد ل الدفاع ال الدرايضت فرموكا سآني فاورت فاصراله بي دارته كالدين راعراه تورر ونزوصول الدين وكأف افضل رامنزها كرووك الأراز زنارل فك حال مرتوجه ل صوب كريدة وبالمستكم أضل ويدوو والماكرة المواتيان أواه معالى المستنف فاستنفاه مع الميانية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية العلائق الأستواري المناسبة والمعارية والمنافقة والمناسبة in the second of the second in the second will be the second والمستوك المستوسين ووع الكال المال الم منع كمردنيغا ووثيدادا فوالاو دانست كدان عداحال فوب غوداما خاست سودى شاشت ويعمية الثنا مسيح يحال كم الكمين السرائع في المعالي المثل و مايات المراكز المتعالي الم الكارنساني بالمانخ وألمية والمتاجي الماكنة ويتالف وآمد الأعيان الماكنة منظرة المراوان الماني والمواجدة والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمنافرة واروم بالأدمت سياه صلاح الدين كرفت وغراب ماخت بعدازان مجانب بسالت المقدس الأكت و سبطح ادديت المشاكس إي توب ال بوكرات ويده بودك ساح الدي بواسط زمان الماح خوداسق كده وجوداج مخصوص درب المقدر المندوجون فتهرتادي الاول ويرضع فارس رميدكه اداعجانا ميتالمقد كسروه ومغربوه ومواصلا الدين ادميت المقدير مستروع فداخت وال فكال كرونه وآنجال إثبازاعا فرآورون كرت ركول ببارانه أمدن خرة عامراكمية بادلسته ودامنيال كك افضل سيومبلاج الديريجان بلاه خرره وتوسل رفت ومداروي عشر الكت عادل بدار طرف رواز ومثناه رض كاف ولايت جزيداتي بودكمين فقي الدين براهيذا وه صابع الدين كمصاحب أنوك

الدين المسابعة المسابعة المستون كمده المناسعة المناسعة والموارا والمستون المستون المستون المستون المناسعة والمستون المناسعة والمستون المناسعة والمناسعة والمناسعة والمناسعة والمناسعة المناسعة والمناسعة المناسعة المناسعة المناسعة المناسعة المناسعة المناسعة والمناسعة المناسعة والمناسعة المناسعة والمناسعة وا

مندن المناسكة والمناسكة والمناسكة المن المنتون المودود المن والله المناطقة المنتون ال

مسكوه على الدين جودان و والدين من ويكل أن ويرفون بي ما وه ترين شده وين الوالدي الموالدين موه بي المسلوه المراس و والدين موه بي المسلوه الدين ويرفون المراس و والدين موه بي المسلوه الدين ويرفون المراس و والدين موه بي المسلوه الدين المراس و والدين و والمرفط ما المسلوه الدين و والمرفط ما المسلوه الدين و والمرفط ما المراس و والمرفط من المراس و والمرفط من المراس و والمرفط من المراس و والمرفط من المراس و المراس

الله المستاعة المستاد المستاد

والبون إن بيها ساله المن والمورد المورد المورد المن الموراني المورد الم

سال سنان الدين و تا دالدي و دو براى قرار فيت كدنا دالدين بالبيد بش احد كه شاهدا الدين ميه و بوجون اي سيا الدين ال

الله بين الدين التعرب الي بين المساوه الدي كونت بندا بين و والمرابي واستداري بالدين الما بيد المستداري بالدين الما بيد المستداري بالدين الما بيد المستداري بالدين الما بيد المستداري بالدين الما بين المستداري بالمستداري بالمستداري بالمستداري است المستوجد وي وست في المستدجه وجون المندي فالحرف المستداري واست وجون المندي في المستداري واست والمستداري واست بياري المستداري والمستداري والمس

· Gin

كمه يرفعان المواحد و والمات المواحد و المواحد و المواحد و المواحد و المواحدة المواحدة و المواحدة و

برادوداشان از در تناس و در اساس مورا که ارات ان موزکها در این است در این است و جارت به مورد این از در کار این موزکها دارات ان این که راه بخشد و در این موزکه در این به میشد و در این موزکه در این به میشد و در این موزکه در این به میشد و در این موزکه این در این موزکه در این موزکه این این موزکه این

دراه باست که خوالدی شمال مهار خور باگریا نیده است اشان کنیدا درگره اینده خوده این استان این خوالدی شما در املی و دراگریا نیده است اشان کنیدا درگره اینده خوده الاسلام و دراگریا نیده است اشان کنیدا درگره اینده خوده الاسلام و درای خوده از دراه خوده و دراه و دراه و دراه و دراه و دراه خوده و دراه و درا

نود الكور المراق المورد وجود الماسي في سناده المراق المناق الماسية المعلى الموري كل مود المراق الموري المورد المو

بالران حنان الدين من مناه ما والودوكر مرايان حقد آورنده والميت الموه الموهال وقال بها البنان استال الموال حال الموهال الموهال

1000

و معلى الدين المراحية المواسعة المواسعة المواسعة المواسعة المواسعة الدين المتعارية المعارية المعارية المعارة و الموسعة المعارة المواجهة المعارة المواسعة المواسعة المواسعة المواسعة المعارة المواسعة المعادة المواسعة الم

مفتده المدينة المواجعة الميان المعلى الدينة الميان المساورة المواجعة المعلى المت كرده المعانية والا المستوالية المواجعة الميانية الميانية

Ein.

بالناس مفال رقبود الاعتراف الما يركن بكن سيد استنداد والمن المان المان المان بكن بكن سيد استنداج المن المان المواد المناف المواد المناف المنا

باردنها در الدوارا الدوارا الدوارا الدوارا الدوارا و المستان والمستاد و الدوار الدوارا و الموادا و و المستاد و المس

سيده داند كارت با دان من المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المواقع المواقع المرافع المر

ميند و وسيكان الداور تروق ف توزه الا بناء الكران و قواراى الدار الدار الدارات الدارات

المندى ويون شاب مين بين بين المناف المناف المناف المناف المنافي المناف المناف

 داشت با را بردان المسال الموالي والمستان الموالية والموالية والمالية والموالية والموالية والموالية الموالية الموالية والموالية والموالية والموالية والموالية والموالية والموالية والموالية والمالية والموالية والموالية

متبره معلوم شود آنستكره ربي منكرون فاشترى بالمتبارة في كادات زيد وأيت

ويب تيوسيم الاون الاون المنظرة والمان المنظرة والمان المنظرة المنظرة

من على الدوري المناوي المنته كرفي و كال آساني است الا مجلسا كروا بديث الدولة إلى الروادة و الدوري المناوي المنته المناوي المنته كرفي و كال آساني است الا مجلسا كرون الدولة المنته المنت

الله المساوعة والمدومة المواد المساوعة المواد المو

ی می بینان به دود که گوی از در این به این دو این به ای به این به

لا بند الما بند و بنها و المرافعة المعلى الما و المرافعة العلى كذا تسويدي الموادمية المحادمة المرافعة المحادمة المحادمة

20

الله المنظمة المنظمة

الإن اي الأخرى في واحدال منطاع والمائي كدوات هواب كريس في الان الدين المواد الدين المواد الدين الدين

متقدا بساخت دو کرد رست و نی نیست دوج به جن برحقیت علی دادلیده خدا شده می اروضع شهر و با دوج است می از دوج است می از در حقیق است از دوج است می است و با دروی است و با دروی است در دو شده بازی نیست دادی به در در ست ایش کرده در به دادی به در در در با در در ست در در در با در در با در در با در در با در در ست در در در با در در ست در در با در در ست در در با در در با در در با در در در با در در در با در در با در در با در در در در با در در در در با در در در در با در در در در با در در در در با در در در در با در در در در با در در در در با در د

دونها الاست المراب الآل المنظرة المستان المستون المستون المستون المال المواجه المال المواجه المواجه المستون ا

اليان بالمكروسية والمواقعة المواقعة والتي تعدد والمنان فيت ويند والا يواقعة المان والمان المعالمة المحالة والمحالة والم

منده بره بينسب الميان والمان في الموادة الله الموادة الموادة

سادراست آدروا تعدد و روای کا روز تواند و اهای اید از ایرکت نورسدگد و زیرفت و هیگری از می است ادر ایران ایرا

3.

معلق الدين جورارجالا بعد على الدولان والاستادارات أوارا وكرداند موجد المثان في كودند

المجالات نور سنده بيجها بي الديدة في الدولان بالدولان الدولان المدولات المجالات الموادلات الموادلات

الونكان التوريا والمراق متره ويتسببها الت والمواج الدين على الدور المواحد المستودة المحافظ المتواجعة المت

(ग्राह्म

الله المن المنظمة المن الله المنظمة المنظمة

التكاريسة والميدة الميدة الميس إذا الله يتكارفة بالتودة الميل برسنده المتعداد بحد كردد الميلوسة والميلوسة والميلوسة

در در کاره و مرده است هو بیام در در با در باد و بیسال دی این و بیسال دی این به این که در در بیسال به می این و بیسال دی این بیسال به می این و بیسال به می این می این و بیسال به می این می این و بیسال به می این و بیسال بیسال به می این و بیسال بیسال به می این و بیسال

المنظمة المنظ

SE,

باردت رخده ابرساطاند و ساده المواد المنافرة عام سام الفاكد بودا بنان الديارة و كراراتها المنافرة المن

بالإين عن التجاه المسال عاد و و يحاف بسيده و يساو المسال الما المسال ال

المديد و دون المديد المستود المديد المستود المديد المديد

220

ردا به برور و دوس المساعة الم

سيكينده كام السيادة والانتهاء والتي المتعان وقريفها ماه سيركند التعان الدين في المين المنظمة المنظمة

ادر المركز شرب المقدس الذرست من الدين و توسع الدين زماده الدياس الموادد المركز شرب المعتبر المنظم المركز المن المنظم الم

الله الدوري فريد المراحة المواجعة كرده المستقوان المعادات والمادة المراحة الم

من الدون و المعلى المواقع المعلى المواقع المواقع المواقع المواقع المعلى المواقع المعلى المواقع المعلى المواقع المعلى المواقع المواقع

الزين المتعادلة الدين الرسياء استام براجل بينان جوي بات بها شان بروس الها إن والمنظار الدورية المال الذوات المكنى المالية المالية المنظمة الم

تران المران الم

النسبة بي الفريدوي بالفريدي والمناد الموسر العاكمة المدين والمواد المواد الموا

39

المنظمة المنظ

النبيا ي نظان الموساع المواد المستقدة الما الما يواد الموساع المواد الموساع الموادي الموادي الموادي الموادي الموادي الموساع الموادي الموساع الموادي الموساع ا

100

المجدد المساوية المس

الله المنظامات فاركون و براغيري المنظام المنظام المن المن المن المنظام المنظا

الا من المسال به متعاد كرست العيوم البديدة و المناف العاصر و الشار تعريجا الما كواله بالدينة المدينة و المناف المراب المناف المراب المناف المراب المناف المراب المناف المراب المناف الم

این اصلافی فرده قدی داد و این از دست دوید به با به بین باشدگاه ای برا در با در با در با در با در با در با در به بین باشدگاه ای برا در با در با برای به بین باشد به بین باشد به بین برشد که می باشد به داد از بر برست شد. به بین برشد که در با در برد به بین ب

200

كن كوده متوجه تناوي كود ومية و دكف اصل المهدف الدين المركود موالدي ترديك المراق الموالدي ترديك المراق الموالي الموالية الموالية

ريسويكره و تدفعه يهجن ما يوسي البين شوب المنظم المنظمة المنظم

En .

الازدندان برند الدوران الدولان الدولان الدولان المستود ويتدبي كالميزا بالمواجهة المواجهة الم

كان الطاق بالما المام المام المام المام والمام المام المام

النواس المنس المن المنافع المنافع المنس المنافع المنسكان المنافع المنافع المنافع المنافع المنافع المنسكان المن المنافع المنسكان المنافع المن

كويك المحافظ المستادة المحافظ المستادة المحافظ المحاف

75

من التواقع الما المرافع المرافع المرافع المرافع المواقع المرافع المرا

 ا المستوجه المراحة المراحة المواجه ال

وري الكش خداده برخوري بين اريطاب شديدان با ما دورة خان نوب الدورة من الدورة بالمساولة المحتلق الما من الما الم المواد المحتلق المواد المحتلق المواد المحتلق ا

من المراق المن المراق المن المراق المن المناق ال

منده المريخ الم

الآن الأصفح الدن بالموارد بال

من المنافع المنافع المن المن المنافع المنافع

در المستان ال

ا ما آن ا

عنى وقيد المراحية والمنافرة المنافرة المن المائمة المن المنافرة ا

64

به نده فورس و و الما من المساور و الما الما المساور و ا

در الدول المناوع المن المناوع المناوع

من المنظمة المن المنظمة المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المنظم

ارت درا در ای ما دو در این در در این به در این به در در این به در این این به این به این به در ا

الما المراق من مستحده من ترجه المواق بالمواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع ا المحافظ المواقع المو

ا داد از الله الما الما المواد الما المواد المواد

2

ميلاده چه در الفار النه به المارسية من الموالية المارسية الموالية الموالية

مها المنظمة المن المنظمة في المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المن المنظمة ا

المنافعة ال

ما المنظمة ال

والمرابع المرابع المرا Peter in internal shift in the war in a conserve him in the con-المباويات والماج والمتعابك والكابيها بالضاء وكساويها والمتعارية المساوي والمالي المنافعة والمنافعة و Provide the state of it was hely the the best of the town of the اشخل افسأتغر في الفيال بي موهوكان الإسلام المساوي وإنداد العب الدي والعالم عندا ألفا Epite parties of the contract This is the many of you the first he with the win in the win والمرابط المال المعارفين والبدية والمتعارف المناس والمناف والمال والمالية والمعارض كالمعارض والمعارض وال المراق في المستدر المنافع والمراجع المراجع الم المرتبط المثواب والمتعارف والمعارض المرتبط المرتبط والمتعارف المرتبط وي الله الله المال بخروه فيكرفون والمتقاول معانيده المتعالية والمتوارية والمتعارية والمتعارض وا مي منظوم في من كالموالي المنظم المن المنظمة المنافي المنظمة ال فليفا فأداد ويواجه أشتان ويحارب المتراجي المنطقة المتاج المتعاقب والمتأثث والمتاج المتعادي المتعادية والمرابل والمناسفان أوروي والمال المالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية The interest of the translation of the ball of the ball بنايات شكاشتك مستويها Germanian international internations of the contractions of the contraction of the contra الانفاق المؤسسة مفدر فياعا موسوي ساورا والكي ومد فيديمات الارتوم استركروه فالانتفاق Confordance alling the mand the grain on the wife The district of the transmission of the state of the stat Light of principles in the State of mingris printing Life The one to be an and side in the prince in the interior فاختر بوات كويف إن ماس تم يكون فينا تلك تعديد بين مثير من ال والمناف والمرابع والمنافية ووالمعدمة كالخفر الكريعده ويوريه الأناوية وكدن بمتر تساعل برزكم المداري ا الماسين والمناف والمراج والمناف المراج المنافع وعال المال المنظمة والمناف والمناف والمنافع والم

والمستاحية وما فتنفير وكما والمنافية والمنافية والمنافية والمالية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية التناوي والمراه والمرت والمراجع والمراجع والمراجع والمراد والمراجع والمراع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع وفيران والمراجعة والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمالية والمنافرة وه الصفيان والأنامات والدون الله فرام فحت وروعيتهم بالتقريق الزارع ربيدة موالات والمعدد المواجعة المارات والمعارض والتنافع والمستان موالي موادا والمستان المواد والمتناق المارات الموادات والمارات المتناق والمرافع Greating and Laproce Visit Survey Companies وليره والمباري والماري والماري والمراهي والمحاوث والمنافية ويدو والماري والماراي القاريب والمراجع والمتنافي والمتنافية والمتافية والمتنافية والمتنا الإنشيان والموافزة والمساورة والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية Minister work of the wind of the way the الماران والمعالمة والمراب المراج المراج الماران المراج الم والمراجعة والمعاص والمعافدة والمنافرة والمتناف والمراجعة والمالية والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمناف أخبار والمرابع المراه والمشار والمناف فالمارة في الماد والمارة والماد والمارة والمادة والمادة والمادة والمادة المادة المادة والمادة المادة والمادة المادة والمادة وال عبياني فأراقا والاستراخ المورغ بالخاص وشعاف مانة جاجري والمتركا كالمخت المنينان الفرائل والمراج المراج المناسدة المراج المترا المراج المتراج الناوي والماركي والمنافق والمناف الماري والمناف والمارية والمارية والمارية والماركية والماركية والماركية والما "The filter by the state of the Mighin Galland of the Linds in the state of Shiping war in the who were the ship with a section of the section The way of the first pain and the institute المناه والمناه And with the to grave of the land to be for the land - وكم الناز ثون و بقومها والمار ثارة في الكرمين المع كالنوريجة والمركب الكالة Howard the sof of the world have when he والمواقع النوال في أو يرقاد فررا وراب و يك كسيده ودارا الفر فدر والدي بالفيزان في و مشايفات التي Managhan Saidhaigh guid Sigirth Chairles But having a series and a series of the property of the property of - Judge and the the the Court of the State o

من المراحة ال

الا إن المنظمة المنظم

الله المستود المستود

به فارسانده المورد المستان المعدال المديد المورد المستان المورد المورد

الإساسية والمواقع في كالمستداق الال بالمستداق الموقية من الدنوي كرته و يقام الالتاق المداقات المداق المداقة المتحافظة المتحاف

كون رفته و الفراعية الفراعية و المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة و المنظمة المن

مراعت كرمنا المستال الدين الدين المواف جوان بياديم بالدين الموادر في المدينة المدينة الدينا الماج الدين المواد و جوان الدون الدون الدينا الدين الدينا الدين المواد و جوان المواد و بين الم

جه فرد انجنسی رساخته و انتها که است فی این سده و انتها که انتها و انتها انتها و انتها انت

مية الإم تعقيق المستواد المستواد المستواد المستواد الموسالة الموسالة المستواد الموسالة المستواد المستواد المستواد المستواد المستواد المستواد الموسالة الموس

من بالمسافريان من سافريان الموادة والموادة والم

تبدريني وندياي فاخذ آلي معدر فيزارة الأملك تحقر ماكث منك أغر تمثا واحدارها Sier and the second con the first product of the second of معارية والاستاريت والمارية والتراه ويصوبان بالضاريان أوا يكروال كنداوا المعالمة المناع waste for it then for many it from it is it is the make their وليقد والدوية علت ملك وبالراج أخ والمعادة المعادة المان الما للكت فلت ووانسا الغفي وي كت وكرية ويونان والمركب ويفوي ب بالعاقي ها الإنج البيدون بالد الموفق كان بنا بيدات كالمراع عالدان فوفي معطوت السيسه أمداله العرا أوسيس في بالإمام ويوان مع وعام وكما ل منه إمال بانت به آوروا الماسات والمناهبين فالمناع فنال سواعات والمدوات والمفاق المرافع في المرافع والمرافع المرافع المواق الماني مترجي متراكم المائي فالمراجي الموضال وروائي الميت ما كالمت الما المرابع المتعددة في المعالم المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنطقة المنظمة المنطقة المنظمة ال عِن فِي العَالِمَةِ وَالْمُعَالِمُ وَمِودُوا لِيكِّتُ مِنْ كُلُولُ مِنْ اللَّهِ وَالْمُولُ وَاللَّهِ وبداجني ويدوكاهم كفدريدي نهرون كالك تقدير فرجانه فالدادي ومادكورات الغدار كالمربطان شاب عبيها تما والموارات والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج متنف شناع فسياس بكري ويالين وزكر مهدا فالتشاب الدين فالما تعيف شندكم عند كريد برعن فياشا لو كرجه الزرت والأكنان خار بالركوات وابت والحال بي والمراجع والمراجع فيراجع فيراجع والمراجع والمراع فيلشاله يجيسيام يوجى شتكه فيؤذكن لأكون والمطلفة مكيشس ووجا وبدون والأشاب الديوجي المد ال في المرافع و المرافع محسين كالمركس وأنسبن العبوة بستا والبعدان فيموا يوفيات المبين وتوفيحا بسالاي المدعدات المناس ويما في المان المنافعة المقوا في المستويد المدول الم The interest of the second of The sale of the interest of the section of the section of The wild of the in the hard and fall to what وفراحن فبالداران ستعل وقايع سال بالضدونود المعتضري صوات المدعب الآم والداري ينهنى الفركبرب ثنال ماجب المتأل ملطا البادلي الحوالات في وخيري أنه من الله والطبي المرامي والل المنطوع والمرافع المسلوم الماح المشامر يتعال المائخ

Proposition of a simple state of the state o مُعَدِّ مِنْ الْمُعَالِّينِ الْمُعَالِينِ الْمُعَالِّينِ الْمُعَالِّينِ الْمُعَالِّينِ الْمُعَالِّينِ الْمُعَالِمِينَ الْمُعَلِمِينَ الْمُعِلِمِينَ الْمُعِينِ الْمُعِلِمِينَ الْم Promoto project photo de principal com file de discon منستان وبالمراكم أورك والمراحدي بالهوازاس الوارين بنا والماكم بالمورات المنا player and in the fifth in farmer projection of the stands This the first in he for hours find on the fall of the monthy girling within in his or in his it is the item الموينت في بي بي بالميس الماسية براج كوي المعاديدة المني والما ما والموادية الماسية والمنافي والنافي والشنكي المشاكرين واستعادت كميدال فرات والمواكف والمتفاع في المنافية أرانى والاستان والمشار والاراد والمال كالمتاريخ المتال والمال المتال والمال المتال والمتال المتال ال فسوار أرجو كالعرفة منان والموساحة والمركزة ما والمالاواد الماد والبدواد كرفة عضى العوض م مها رسودات الدوا بيان درين داري فرهان ودمين أوجه بيار معدريت كدان فرنش درمها مرتبا فحطان وقاع الر وقرمهمي المخوفال أوكرت والأفطان حربت بباسيدا الإسامين فخ وعا وافعالي وثبرى والمدي وصالى وأفرغه الدمها والموكرة والمقاوني فيدوم بيواثث كالجراس وهواتي عل عواق ابسر غراصان تدوكون كالمديدين تسال فيداسوه المديد وداعران جلودة المسروبية والمرادة والمرادة والمرادة والمرادة

ماج البياني والمان أراب رساري كم يا الماركة والميانية والمان وتواجع المعار المان المعاري والم جويان تشفر كريمي إستجب كأني مات كفيل وجد كرون ويامل ونها تفايقاً بودر للجيف والشنائي إذا في آديان كل زبوري إلى تدوكي إذباي جافرون بعده وحست في موسيام التي The sire of its I might be a just a finter a Maria protect مناساتي المستندم سارتا بالفدق المنطر تجات والتعديد المناولات الماد بهوك ويروكو والمناقب في أن والتربيع في أنها إلى المؤوِّد والمورا في والمناقبة الما المالية المالية المالية الم البخت فيام تقديده وإشاري وبالمعادك وبالان يخفا وأوكا كالماست الماقع الما والتدريع والمستشود والمسال والمسترين المستريم والمستنون المستريد م كالأكور كندي تدريان بالدينة الشائدة الايوان الانتراج وجنائ كالآفت كومك الرابي البدينية بذكر الناوي كذائب والماريات فالعظ وأركاف المساخل الما عا و تأكد در وقت غزفان بيدميا بي بي وجه وكروكي فود هي والمسائد كالانفال الميار مثر كالحرف وكم العدي في مع وه مودة وويض أويغ مقروع مصروات كالجور كأنياني وزوج بماران والاستنافات بالمستارات فأرواكن a trop show this extenses to public from his how it is the وج يضنت في عليه معدو الشكر وقت سيون آمن لكاني زنك مت كله في الرساد أالزكون آب الجيم

الما المنظمة المنظمة

كان المراحة المساولية الم

من المراقع ال

Cresie

الله المنظمة المنظمة

الإن المرابطة الموارسيان المواري المرابطة والمعتمد المرابطة المواجعة الموا

Single friends of the state of the state of the state of البعود الكمان ووالمسروح وجوال فراز وخداتها الوزمان النا ووشي أما ووسيته إعراق تعييم المشدواول The property of the State of the State of the State of والمراب كالمان والمراب والمراب والإراب والمرابع الماسي مراسي المناوي المراسية متواسته بيالها والجطيت نوسا يشيرة آنزل لاندروه بيتعاكم ومامت بالهاديان والمعافرة المراجة والمراجة وال المنتفر والمنافر والمتناف والمتنافية والمنافرة ونجديدة إخار كخشت كالرحاة عن النبيريا بكشابشانها التي ويصورت بكروه ومرضا بعستهن بالمادة والمادية فالمراج المراجع الأوالي المناس المادي المناسكة الموادية الموادة المتعادم الموادة العارضيف على طلق كردونها وجن بالملد مساهلي الف لا يستد المكن متنات المراجعة والمودوك كالمانون العدوي ورشاء براور والتاريخ والماري والمانون أريده أرميلا لأتمال إنت جدائما في أخل أفر قريده في العرف ويوديان المؤلِّي على عالموكم والمارية والمرادة والمردة المردول المرادة والمرادة والمرا المراه وزير عدار المراجع وجرابة كالمتاريخ والمراجع والمراجع والمراجع والمحالة The state of the s فسلطها وتتركون يستوزن وكوياق وترتزع بتساعي والمتراث ing mich grind reprisented to be might in Land before the interior with the said on the said They provide the provide the state of the st her show the interpolation commission in the light الزاوات والبوازلي فالمادخ بربك والانتساء والانتات ويجتاكن مِنْ كُونِ مَنْ سَوْدِوْدِ إِلَى مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ اللَّ المالية والمالية والمالية المالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والم منوالب كوكن والنواع والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية ونوي ادرام يصفاي شنوي زنززا دوست مداده والرواب كفت كي خداد في شام والمراب والانتراض فالمناز أكريهم والمنين الاستشارة بريانها والمتناف والماركة Bigger and six the contraction of the second الإن المعروب المال الانتخارة والمرازون المنا المراس المناج المراز والمال المنطقة والمتالية والمنافرة والمنطقة وا

وبواز مغذه مال الرداكم وثرا تيان ما مناص كرد نيده ترجام إدارة ويتده فروس أرغي في تروي ويدور الأنتان أسويكا وتاقل المؤكس وأرواه فالمان والجزالات المياه وياق المنافية المنافعة والمنافعة heliably were light a solf the good good for بمناسب معان كالمراق فيريا ويوضفا زواه فداونها لانامير بالورائي أنسب والمراقي والمراق المراق المتحافظ والمتعادة المتحلوج فيتنا فيضاده في المان المنامين فياد تبار المان المنام المان المنام المان المنام المان المنام المان المنام والماقع المرادي بالركت ملاق أوليكع والانجار كالمراصف والمراكزي والمستارة وأن المالي الأور الماضي المحاود المساكم أنشاف والشيك في بالمراب المالية المراب والمساورة المراب أتأريب والمرتبات والمان والمان والمانية والمراجع والمناس والمانية والمراجع والمانية والمراجع والمراجع والمراجع Milliand Langthonis for will gray Commission and Suffer المستقومين والانتصار والمستق وأشار والفي كردوها بندوكم والفاج والمتسكروت المين فالمالي المالي المالية والمعدد المعدد المالية المناوية والموالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية ألفا كم من المال المنافع المنا بالمنظرات واليرون ويناويون ويكري كأرباني والمشتست متابعا والبروت وكالما

لعينيا والكبابي ينبي فالتنافذ فالمتناون في المنافز المنافزة المناف Contract Mayor Start Start Contract of the Start Start The mining stands constitution for in range the market of Labelle Strating of you arrive the specific and a suffer you had المنطب المعارية والمراجع والمتابع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمتابع والم But him by the second and have been the Man Secretar Changes and the wind for for the best of Engineering approach of printing the state of the second o والمراجع والمراجعة والمراج والتناج والمالية فالمالية والمتالية والمتالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية in the first for the first is the first in the second of the second La green and introduction and it is the grain creation in The the Signer with the hard bearing in the second being and friend the property in the first of the property فرنغهن إشده الماقعان أمهاه ويضفق بتكريهن بالتصت فاستاقام فيتراونوال

الا المنظمة ا

المستوري في المورد المراق المراق المورد الم

المناف الله المناف المن المناف المن المناف المن المناف المن المناف المن

المنابعة ال

المرحلات المراقية ال

المراحة المواجه المواجه المستناء المراجع المراجع المراجع المواجع المستناء المراجع الم

المساورة ال

من المرادي ال

lip de

بالين في العالم المستال الموالي الموالية الموال

و المورسة الم

المن المستون الموري التلك المنافرة المن المنافرة المن المن المنافرة المن المنافرة المن المنافرة المن المنافرة المنافرة المن المنافرة المناف

مون و مدت البريد المرافع البريد المداري المون المؤ المدن المون ا الكري المرابط المرابط

معن الله المراق الم المراق ا

والمنافعة والمنافعة

or and and in the state of the

الما المسالة المنظمة المسالة المسالة المنظمة المنظمة

Miles in the standing of the s

كان خار دور المرافعة المرافعة

ما المستال ال

ترسال العدد الدون المرافعة المواجه المواجه المواجه المواجه المحتلك المواجه المحتلق المواجه المحتلق المواجه المحتلق ال

به المستوان المستوان

الله و المستحد المستح

المصدونا كارت المواد ا

من المسال المساول الم

المستود المراق المراق

الله المعلمان المواد المعلم المعلم المعلم المعلم المواد المعلم المواد والمعلم المعلم المعلم المعلم المعلم المعلم المعلم المواد والمعلم المواد المعلم المواد والمعلم المواد والمعلم المواد والمعلم المواد والمعلم المواد المعلم المواد والمعلم المواد المعلم المواد المعلم ا

من المنافق المنافق والمنافع المنافع ا

سنده و دارا براه و المواد المواد المواد المواد المواد المواد المواد و المواد ا

مسدان طال المتحق الديمة والمتحادة المتحادية والمتحادة المتحادة ال

و مسدولا الله المساولة المساو

كيد كافرون الموادي الموادي الموادي الموادي الموادي الموادية الموا

ان باست مع الله و باست المعالمة الماست المعالمة و باست المعالمة والمعالمة و

55-

كان الباري المست الياري المان المراك على المراك المان المان المواجعة المراك المان المراك المواجعة المراك المواجعة المواجعة المراك المواجعة المواجع

البالم المراق المواد المراق ا

 اندوی استفاد الدیکار الله این کرداخه از با این بسیده از در شده الدین ال

بسينا الدين ما والانوان بن أرده اوا بقويك مدر ميتان الشدان ودا منتقق الميان وادارش كودايك مدي البيران به المراق الدين المراد ال

المجال المرابط المرابط المواد المواد

من المساحة المساحة المساحة المساحة المواقعة المساحة ا

را الما المسال المساولة الموادة الموا

و بازاد و کند که در این و که در در در این با در این بازی که در این با بازی که بازی با به بازاد و با بازاد و با بازاد و بازاد

المجاهدة والمواقعة المواقعة ا

عهده در آرا و آن ما باره به المواده في المدين المدين الكون به به المدين الكون به المدينة المد

من الهوالية المساولة المساولة

الده المحالية المواجعة المعالية المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المحاجعة المحاجعة المواجعة المواج

بره است بود با دو کا دو تو بساه ها در با ناخر مید کونات این تو کوک بیر بای الدین بدو که الای دو از که الای دو از با که الدین بدو که الدین به دو که دو

من والمنظمة المواد المنظمة ال

الكرد وقر النه المنظام في الإرافيات في المنظام المنظا

ي سنده بورده وهدي المستان المستان و من المارس المارس المارس المارس المستان المارس المستان المارس ال

الدارا المدنون الداري الداري المدنون المدنون الماري المدنون ا

من المنظمة ال

ما الدين الدين المتحدد الدين الدين الدين المتحدد الدين التي المتحدد ا

الإسان به الما المراحة الما المواجعة ا

من بدور الدوري الموري الموري والمراس و البرائم بين الموري الموري والموري الموري المور

المن المنظم المنظمة ا

المنافي الما المنافية المنافي

دوات بودر الدوات الموات الموا

الإن المواقع المواقع

والدعلم ويواليه المرافعة المرافعة المواد ويوالية والمرافعة المرافعة المراف

 المان الدوق الموق ال الموق المدوق الموق الكود وي براه نماد مداه واب ويراه العراف المها ميا المالا على المالا المراه برا مدالا المراه ويراه ويرا المراه ويراه ويراه ويراه المراه ويراه و

در بالدر و در ما خدوا را المبار المب

نيان ما ني المراب من متمود وساء موان ما بكر مغفو لدين بالإدادة المجدولة المحافظ المراب والتراويات المنطق وغرابي والتراوية والمراوية والتراوية والمراوية والتراوية والمراوية وال

ويقرون والموالية المجال او المناع فالفوه واوه ورئه ويها أو المفال قريوة أو بالمجال او المفوات الكور في المجال او المفاع فالفوه واوه ورئه ويها او المفاع في يودة ويودة وبالموالية الكور وي المبارا المور وي المبارات الموالية المبارات المبار

نودونيوا ميناوشاه يك كلت كردون سافوكه قرائيان بعد الكشش بالادو كرى المراحة الناسي ووست الناطاع ودونيوا ميناوشاه الشامي والمعافي كرده المودونيون المواحدة المودوني المودوني

يد احتمار المدون را بدافرار المن التعاديم المناطقة المناطقة المدون المناطقة المافقة والماجي المهم المناطقة المنافقة الم

كُوْفَ عِلَا مِنْ مَدْ وَالْمَعْدَ مَرْجُرُونِ الْكَ مَنْ عِيمْ وَكُولُ الْعِلَمَ الْعَلَى الْمُرْجُونِ الْمُو عَارِالْ وَلَهُ وَالْمُوا مُعْدَوْنَ مَنْ الْمِي وَبِهُ وَلَهُ الْمَا وَعَيْدَ عِلَا الْعَلِمُ وَهِ كُوفِ الْقَ مَا راجُوقِ فَ وَالْمُورِ كُولُ فَى الْعِيرِ مِوْفَا مُدَالِمَ اللَّهِ مِنْ الْمَالِمُ الْمَاعِينَ الْمُورِ اللَّهِ الْمَالِمَ اللَّهِ وَالْمَالِمُ اللَّهِ اللَّهِ الْمَالِمُ اللَّهِ اللَّهِ الْمُولِمُ اللَّهِ اللَّهِ الْمَالِمُ وَالْمُولِمُ اللَّهِ الْمُؤْلِمُ اللَّهِ الْمُؤْلِمُ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ الْمُؤْلِمُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الْمُؤْلِمُ اللَّهِ الْمُؤْلِمُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهِ الْمُؤْلِمُ اللَّهِ اللَّهُ اللَ



